

دو سرچشمه دشواریه‌ها

در سرمقاله شماره قبل نوشتیم مردمی که خون داده‌اند ، و انقلاب کرده‌اند ، مردمی که یک عمر باج داده‌اند ، و زجر کشیده‌اند و غارت شده‌اند امروز می‌گویند : ثروتهایی که ملاکین و سرمایه‌داران بزرگ از مردم زحمتکش ما غارت کرده‌اند ، باید به حکم یک قانون کلی و عمومی که از مجلس می‌گذرد ، از آنان پس گرفته شود و به صاحبان اصلی آن برگردانیده شود و هر کس که این قانون کلی و عمومی را زیر پا نهاد جهت مجازات به قوه قضائیه سپرده شود . نوشتیم که اگر بخواهیم انقلابمان حفظ شود و در میهنمان دریجه‌ای به سوی عدالت اجتماعی گشوده شود حتماً باید این کار بشود و اگر نشود ملاکین و سرمایه‌داران بزرگ قطعاً به حکومت باز خواهند گشت و از این مردم زحمتکش انتقامی خواهند کشید که جلادان در شیلی و مصر و اندونزی و دیگر جاها از خلق می‌کشند .

خصلت انقلاب این است که اگر بخواهد پس نرود و شکست نخورد ، باید پیش برود . باید اهداف خود را یکی یکی تسخیر کند . زجر و دردی که کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان ما در زندگی کشیده‌اند ، آنان را برانگیخت انقلاب کنند . پس انقلاب باید درمان همین زجرها و دردها باشد . انقلاب برای درمان ستم‌ها و بی‌عدالتی‌هاست . انقلاب برای براندازی ستمی است که اقلیت قلیلی باج‌گیر و چپاولگر سرمایه‌دار و فئودال به اکثریت انبوه مردم پابرنه و زحمتکش روا می‌دارند . اقلیتی که تمام امکانات مادی و معنوی جامعه را به انحصار خود درمی‌آورد و هرچه فقر و بدبختی و بی‌خانمانی و بیسوادی و نادانی و مریضی و گرسنگی است ، به اکثریت عظیم توده‌های مردم زحمتکش تحمیل می‌کند . مردم انقلاب کرده‌اند ، خون داده‌اند و می‌دهند در برابر تجاوزگران و تروریست‌ها سینه سپر کرده ایستاده‌اند ، با میلیون‌ها مشت گره‌کرده و فریاد مرگ بر آمریکا میهن را به لرزه درآوردند روز و شب زحمت می‌کشند که نظم طاغوتی " شه ساخته " در اعماق جامعه هم درهم شکسته شود و نظم نوین انقلابی‌مان به اهداف اساسی خود دست یابد ، یکی یکی آنها را تسخیر کند . پس آنگاه استوار و تسخیرناپذیر و بی‌بازگشت گردد .
مضمون اصلی مرحله کنونی... در صفحه ۲

دیدار سران امریکائی ترکیه و پاکستان ، هشدار دهنده است

امپریالیسم آمریکا همراه با تقویت " نیروهای واکنش سریع " در منطقه از طریق رژیم‌های دست‌نشانده خود ، کوشش می‌کند جبهه‌های تجاوز تازهای علیه انقلاب ایران و افغانستان باز کند .

شورای نگهبان برای اکثریت مجلس که بسود مردم مستأجر و بی‌خانه بود مخالفت کرد

• اقدام اخیر شورای نگهبان آشکارا مغایر نظرات صریح امام خمینی ، اکثریت مجلس و دیگر نیروهای اصیل خط امام در دفاع از محرومان است

کرد

در صفحه ۵

قانون شکنی سنگردشمنان انقلاب است

دادستان کل کشور : اعلامیه ۱۰ ماده‌ای به قوت خود باقی است
در صفحه ۱۰

وزارت بازرگانی باید در اجرای طرح ملی کردن بازرگانی خارجی پی‌گیری نماید

• امام طرح دولتی شدن بازرگانی خارجی را تأیید کردند

در صفحه ۴

لغو ماده ۳۳ قانون کار خواست عاجل کارگرانست

در صفحه ۶

در ۸ صفحه

کاد ویژه جوانان

متحد شویم !

تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام را درهم کوبیم

بسمه از صفحه ۲

دوسر چشمه

... گسترش انقلاب، سمت‌گیری علیه بزرگ‌مالکان و کلان‌سرمایه‌داران است. این روزها بیویژه پس از تفویض اختیارات به مجلس از سوی امام، همه نیروهای وابسته به طبقات اجتماعی کشور ما بیشترین توجه خود را روی همین مبارزه متمرکز کرده‌اند. موضوع مالکیت و حدود و ثغور آن موضوع اصلی مبارزه‌ای است که درگیر است و هر روز شدت بیشتری می‌یابد.

حجت‌الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی که تمام خطبه اول نماز جمعه این هفته دانشگاه تهران را بطور کامل به همین مسأله اختصاص داد، ابتدا تأکید کرد:

"آنهايي که اموال نامشروع دارند، مطمئن باشند که نامشروعش را از آنها می‌گیریم و یقیناً می‌گیریم و اموال درست‌شان را در دست‌شان می‌گذاریم. دشمن همه تلاش‌ش این است که نگذارد ما وارد این مرحله بشویم"

آری، دشمن همه تلاش‌ش این است که نگذارد ما وارد این مرحله بشویم. همه دشمنان مردم زحمتکش ما و در رأس همه‌شان امپریالیسم آمریکا، تمام توطئه‌ها و رذالت خود را بکار گرفته‌اند و می‌گیرند و خواهند گرفت که انقلاب ما به این مرحله قند نگذارد. آنها از توطئه جنگ تجاوزکارانه گرفته تا نقشه شوم تروریسم و دیگر اشکال مقاومت مسلحانه ضدانقلابی تا حادثه‌ترین جنگ تبلیغاتی یا پوشش‌های اسلامی و ضد اسلامی علیه انقلاب و سمت‌گیری ضدسرمایه‌داری آن تا تخریب و کارشکنی در امر تولید و "دوست" جازدن خود برای نفوذ در ادارات و ارتش و دیگر نهادها به منظور اخلاص‌گری و یا به کج‌راه بردن آنها استفاده می‌کنند که نگذارند اصلاحات بنیادین اقتصادی، بساط یک اقلیت محدود بزرگ مالک و کلان‌سرمایه‌دار غارتگر را برچینند و انقلاب در راستای احقاق حقوق زحمتکش‌ها حرکت کند.

آقای رفسنجانی همچنین تصریح کرد که از جانب دوستان انقلاب هم آسیب‌های جدی به انقلاب می‌رسد. دوستانی که حریم قانون را می‌شکنند و به علت حالت ضدسرمایه‌داری شدیدی که دارند، عجله می‌کنند و خارج از قانون عمل می‌کنند و همین باعث می‌شود که قوانین عدالت‌خواهانه یا جنجال‌مخالفتان مواجه شود و اجرای آن متوقف گردد. همانگونه که بند ج و د "اصلاحات ارضی متوقف ماند و هم قانون اراضی موات شهری و هم اگر اوضاع اینطور باشد فردا ملی شدن تجارت خارجی نیز معلق خواهد ماند. لذا باید قانونی عمل کنیم و خارج از قانون عمل نکنیم تا ثبات سیاسی و اجتماعی بوجود آید و اعتماد مردم به جمهوری اسلامی تقویت شود. رئیس مجلس گفت:

"نیاز داریم که تثبیت کنیم وضع کشور را و اعتماد مردم را جلب کنیم. باید این مردم بفهمند، سطح فکرشان بالا بیاید، مطمئن شوند که حقوقشان را قانون می‌گیرد و با غیرقانون نخواهند گرفت... قانون ممکن است اشتباه باشد. این مهم نیست، قانونی که اشتباه شد در عمل تجربه می‌کنند و قانون را اصلاح می‌کنند"

این سخنان از آنجا کاملاً منطقی است که می‌گوید باید با قانون عمل کنیم و با غیرقانون عمل نکنیم. اوضاع را آشفته نکنیم و بدین وسیله حربه به دست بدخواهان و دشمنان در کمین‌نستنه‌مان ندهیم که از اوضاع آشفته سوءاستفاده کنند و از آب گل‌آلود ماهی بگیرند.

این سخنان از آنجا کاملاً منطقی است که درک می‌کند برای اینکه انقلاب پیش برود باید مردم سطح فکرشان بالا بیاید و بفهمند که حق و حقوقشان چیست، و بخواهند که با قانون حقوقشان را بگیرند. این سخنان نشان از این درک دارد که بین سطح آگاهی توده‌ها و میزبان آگاهی انقلابی آنها از حقوقی که دارند و حقوقی که باید بدست آورند در این جمهوری رابطه است و بدون بسیج توده‌ها، آگاهانیدن آنها و حمایت فعال و وسیع‌ترین اقشار خلق از قوانینی که قرار است در جهت تأمین عدالت اجتماعی تدوین شود نه آن قوانین تدوین می‌شود نه آن قوانین به اجرا درمی‌آید.

این سخنان حاوی بخشی از واقعیت است زیرا بدرستی روی برخی شتابزدگی‌های زبان‌بار برخی افراد پرشور که در نهادهای انقلابی فعالیت می‌کنند، انگشت می‌گذارد که قبل از تدوین قوانین به گونه‌ای چپ‌روانه ممکن است دست به اقدام زنند و یا اضافه بر قانون عمل کنند و مثلاً اگر گفتند اموال غیرمشروع فلان سرمایه‌دار طاغوتی را بگیرید، آنان نظر به کینه مقدسی که دارند، بیشتر نیز می‌ستانند. اما بقیه واقعیت نیز باید مورد تأکید قرار گیرد و واقعیت بسیار تلخی که امروز فراروی ماست آن است که متأسفانه برخی مراجع و روحانیونی که هضم طرفدار سرمایه‌دار هستند، و هم طرفدار فتوادل هنوز تا آنجا نفوذ دارند که خود رافوق قانون تصوری می‌کنند و از موضع راست با پوشش‌های اسلامی جلوی تصویب قوانین مترقی و انقلابی را می‌گیرند و در آنجا که دیگر تیغشان از ته نمی‌برد گوش و دم قانون را می‌برند و اگر این کار هم میسر نشد، می‌روند می‌کوشند در عمل، آنجا که می‌خواهند قانون را اجرا کنند جلوی آن سنگ بیاندازند و آن را معلق بگذارند.

بی‌آنکه خواسته باشیم ذرهای هم از اهمیت اجتناب از هر عمل خودسرانه آثارشیستی بی‌حساب و کتاب غیرقانونی که با نیات حسنه صورت می‌گیرد، بگازیم، صادقانه باید اعتراف کنیم که آن سنگ بسیار بزرگ و غیرقابل چشم‌پوشی که امروز مانع از آن گردیده که مردم "مطمئن شوند که حقوقشان را قانون می‌گیرد"، مقاومت عنودانه عناصر و نیروهایی است که با جعل احکام اسلام در خدمت دفاع از منافع سرمایه‌داران و ملاکین، مانع از پیشرفت کارها شده‌اند و جلوی تصویب و اجرای قوانین انقلابی را گرفته‌اند.

آینده بازم بیشتر اثبات خواهد کرد که چگونه، وقتی که نیروهای دست راستی افراطی و بعضاً مشکوک که در انجمن‌هایی نظیر حجتیه متشکّل شده و هر اقدامی را که به نفع سرمایه‌داران و ملاکین باشد اسلامی می‌شناسند و تمام اقدامات و قوانین ترقی‌خواهانه‌ای که به نفع مردم محروم و زحمتکش تمام می‌شود را غیر اسلامی می‌خوانند. تا این حد در نهادهای انقلابی نفوذ داشته باشند، وقتی نامه‌های تهدیدآمیز برخی علما (که مخالف خطی هستند که نه طرفدار فتوادل است و نه طرفدار سرمایه‌دار)، به شورای نگهبان در مورد رد قانون اراضی موات شهری قبل از اینکه قانون برای اجرا به دولت ارجاع شود جلوی تصویب آن را می‌گیرد، مانع اصلی در راه اجرای قوانین، مانع اصلی برای اینکه اسمل سال قانون باشد، همین مقاومت عنودانه عناصر و نیروهایی است که با

پوشش اسلام، پرچم دفاع از سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ را برافراشته‌اند. این حرف کاملاً درست است که نیروهای مدافع انقلاب باید به مسئولانه‌ترین شکل ممکن به قانون پای‌بند مانند و یک سر سوزن هم از آن تخطی نکنند. در این دورانی که دوران سازندگی است هر نوع بی‌نظمی، هرج و مرج و آناشگرایی قطع نظر از نیت این یا آن فرد، به‌زیان انقلاب تمام می‌شود. نیروهایی که "حالت ضد سرمایه‌داری شدید" دارند باید همواره بکوشند که از یک طرف با پای‌بندی به قانون و نظم انقلابی، نیروی انقلاب را منجمد کنند و قوی سازند و از طرف دیگر بهانه به دست‌بدخواهان ندهند که انقلاب و اهداف آن را در نزد توده‌های ناآگاه بد جلوه دهند. لاکن خطای فاحشی است هرگاه تصور شود که اشتباه نکردن و پای‌بندی نیروهای انقلابی به نظم و قانون موجب می‌شود که نیروهایی که "حالت طرف‌مداری از سرمایه‌داری شدیدی دارند"، دست از مخالفت با هر قانون و هر اقدامی که به نفع سرمایه‌داران و ملاکین نباشد، خواهند کشید و ساکت خواهند نشست.

اگر جزء به جزء کتب مقدس مذهبی "لیقوم الناس بالقسط" و "لیس للانسان الا ما سعی" بسود باز هم مراجعی که مخالف خط دفاع از پابره‌نه‌ها و کوخ‌نشینان هستند، آنان که با خط دفاع از استقلال و سرفرازی ملت ما مخالفت می‌کنند، آنان که مخالف خط آزادمندی و رهایی‌طلبی برای توده‌های میلیونی و دفاع از حق حاکمیت برای اکثریت عظیم جامعه هستند آنان که هم طرفدار سرمایه‌دار هستند هم طرفدار فتوادل، یعنی همه مراجعی که مخالف خط امام‌اند، هر قانونی که از غارتگری بی‌بند و باز سرمایه‌داران و فتوادلها جلوگیری می‌کند را "غیراسلامی" می‌نامیدند، جنجال می‌کردند که اسلام در خطر است. نباید فکر کرد که محافل منتسب به این "اسلام‌خواهان" فقط با بهره‌برداری از عمل ناشیانه عده‌ای عجول که نمی‌فهمند باید "دیوتر حرکت کنیم امسا صحیح‌تر حرکت کنیم" عوام‌فریبی راه می‌اندازند و اگر این عجله‌کاری‌ها نباشد آنان نیز ساکت می‌نشینند خیر، آنها در هر حال و در هر شرایطی تا آنجا که زورشان برسد از منافع سرمایه‌داران و ملاکین دفاع می‌کنند. فراموش نکنیم که کارتر نیز که همه می‌دانند حتی یک سر سوزن‌صلاحیت ندارد روی قوانین و مقررات اسلام اظهار نظر کند، در سفر اخیر به ژاپن مواضع امام خمینی را "غیراسلامی" می‌خواند و علاقه فقط طرفداران سیاست آمریکا را مسلمان معرفی می‌کند.

در همین هفته گذشته لایحه لغو احکام تخلیه خانه‌های اجاره‌ای که یکی از دردهای بی‌شمار انبوهی از محرومان جامعه را برای یک‌سال تسکین می‌داد، بعد از تصویب مجلس از سد شسورای نگهبان عبور نکرد. در حالی که هیچکس که کوچکترین بهانه‌ای بدست کسی نداده بود. مبارزه و مقاومت نه‌ی ذاتی انقلاب است. اگر رنگی از عدالت اجتماعی می‌طلبیم باید یقین کنیم که صاحبان امتیاز در جامعه به این سادگی دست از امتیازات خود نخواهند شست باید یقین کنیم که آنها تا می‌توانند بر سر راه پیشرفت انقلاب، مشکل درست می‌کنند و دشواری می‌تراشند آنها وقتی سرکار هستند همه جنبش‌های حق‌طلبانه و عدالت‌جویانه مردم را سرکوب می‌کنند تا پایه‌های حکومتشان سست نشود. آنها وقتی به اراده مردم از اریکه قدرت به زیر کشیده شدند تمام سبعت و حیل‌گری خود را بکار می‌اندازند تا حکومت انقلابی و مردمی را سرتگون کنند. بقیه در صفحه ۹

دیدار سران امریکائی ترکیه و پاکستان هشدار دهنده است

در اوایل هفته، رئیس کودتاگران ترکیه برای انجام یک دیدار با ضیاء الحق، رئیس حکومت نظامی و دست‌نشانده امریکا در پاکستان، عازم این کشور شد.

این ملاقات، نمی‌تواند و نباید یک ملاقات طبیعی بین سران دو کشور قلمداد گردد. زیرا با اندک تامل و تعمق می‌توان دریافت که این دیدار جزئی از مجموعه توطئه‌هایی است که ارتجاع منطقه بسرکردگی امریکائی جنایتکار، علیه حکومت‌های ضدامریالیست و جنبش‌های انقلابی خلقهای منطقه تدارک می‌بیند. حقایق گواه بر این مدعاست.

حکومت کودتایی پاکستان یکی از پایگاه‌های نظامی امریکا در منطقه حساس ماست که در دو سال گذشته بنحو بی‌سابقه‌ای از طرف امریکا و متحدان چینی و اروپایی آن تقویت شده است.

پاکستان مرکز تجمع اصلی ضدانقلابیون فراری از افغانستان انقلابی است و رژیم امریکائی حاکم بر آن با تمام قدرت از برقراری صلح و آرامش در افغانستان ضدامریالیست و مردمی و به طریق اولی در منطقه جلوگیری می‌کند.

ضیاء الحق، علی‌رغم آنکه در یک سال اول پس از پیروزی انقلاب و با استفاده از دولت موقت لیبرال‌ها، بنی‌صدر و قطب‌زاده‌ها، بسیار کوشید تا خود را "دوست" ایران معرفی کند، اما هرگز از کمک به ضدانقلابیون فراری از ایران غافل نماند. او پاکستان را از همان بدو انقلاب، مامن و محل استقرار سلطنت‌طلبان، ساواکی‌ها، خوانین و قاچاقچی‌های ضدانقلابی فراری از کشورمان قرارداد و امکانات چشمگیری در اختیار آنان گذاشت.

رژیم امریکائی پاکستان از یک سال پیش به این سو، به کمک‌های خود در این زمینه وسعت داده است.

از طرف دیگر، ترکیه‌ای کسسه زیر چکمه حکومت

کودتاگران است، یکی از مهمترین پایگاه‌های نظامی امریکا در منطقه است. ترکیه برای پیمان تجاوزکارانه ناتو قدری حائز اهمیت است که سردمداران این پیمان امریالیستی بارها و بطور بسیار وقیحانه‌ای از اهمیت "استراتژیکی" آن سخن گفته‌اند!

هم‌اینک اصلی‌ترین گردانندگان شبکه‌های سلطنت‌طلب، ساواکی‌ها، خوانین و جنایتکاران فراری دیگر در ترکیه بسر می‌برند که با همدستی مائوئیست‌های امریکائی و باند قاسملو زیر نظر کارشناسان امریکائی به تربیت خرابکار و اعزام آنها به داخل کشور مشغولند. مدارک زیادی در دست است که نشان می‌دهد این شبکه‌های ضدانقلابی مورد حمایت و پشتیبانی فعال چکمه‌پوشان حاکم ترکیه است.

و بالاخره نکته اساسی در این دیدار آن است که این ملاقات در شرایطی صورت می‌گیرد که امریالیسم امریکا تمام نیروی دوزخی خود را بکار گرفته تا با تنگ‌تر کردن حلقه‌های اتحاد حکومت‌های مرتجع و وابسته به خود، آنها را در جهت تجاوز به دولت‌های مترقی و ضدامریالیست منطقه سازمان دهد.

امریالیسم امریکا در کنار تجهیز دم‌افزون نیروهای تجاوز خود که تحت عناوین رنگارنگ چون "نیروهای واکنش سریع" برای تجاوز به خلق‌های بی‌ساخته منطقه و دستاوردهای انقلابی آنان تدارک دیده‌است، می‌کوشد با استفاده از نیروهای مرتجع و مزدور در منطقه، کانون‌ها و جبهه‌های تجاوز علیه این خلق‌ها و حکومت‌های ضدامریالیستی را بگشاید.

به این دلایل است که این دیدار را نبایستی بی‌اهمیت تلقی کرد. ملاقات بین سران مرتجع این دو کشور را که کینه عجیبی نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ما دارند باید دقیقاً در

هشدار رئیس جمهور:

ساواکی‌ها هنوز هم مشغول توطئه هستند

حجت‌الاسلام خامنه‌ای در یکی از سخنرانی‌های اخیرشان بر روی یک مسئله "فراموش‌شده" اما همچنان خطرناک صحنه گذارده و نسبت بدان هشدار داد. مسأله ادامه فعالیت‌های جنایتکارانه و توطئه‌گرانه ساواکی‌ها:

"شما تصور نکنید که همه این انفجارها مربوط به گروهک‌هاست، بلکه فراریان رژیم سابق و ساواکی‌ها هم در آن شرکت دارند. همان کسانی که در روزهای اول انقلاب افراد کمیته را ترور می‌کردند و آنها را شهید می‌ساختند. امروز باز هم مشغول هستند به توطئه که ما نباید از آنها غافل باشیم"

پس از دو سال و نیم که از پیروزی انقلاب می‌گذرد، رئیس‌جمهور بدستی بر روی اعمال جنایتکارانه ساواکی‌ها انگشت نهاده است. هشدار رئیس‌جمهور تأییدی است بر هشدارهای مکرر دیگر نیروهای انقلابی و حکایت از این واقعیت دارد که دستگاه جبهه‌ی ساواک هنوز زنده است، نفس می‌کشد و بنا به ماهیت خود علیه انقلاب و جمهوری اسلامی توطئه می‌چیند، نقش می‌کشد و دست به جنایتکاری می‌زند.

آن عامل بسیار مهمی که پس از انقلاب باعث شد تا ساواک علی‌رغم همه خشم و کینه و قهری که مردم انقلابی نثار آن کردند از ضربت سپهناک انقلاب جان بدر برده و پس از گذشت مدتی در اشکال نوین کمر راست کرده و تجدید سازمان کند وجود دولت موقت لیبرال

بود. دولت لیبرال‌ها به انواع حیل‌ها، کلک‌ها، اغماض‌ها و گذشت‌ها که حتی در مورد کمیته‌ها و سپاه پاسداران حاضر به تن‌دادن به آن نبود، کوشید مانع تلاشی شدن و نابودی قطعی این دستگاه جبهه‌ی و حتی احیاء مجدد آن گردد. نمونه آن کوشش‌های مهندسین بازرگان برای برگماری سپهبد مقدم رئیس ساواک به ریاست رکن ۲ ارتش بود. زیر حمایت آشکار و پنهان مسئولین و سردمداران سازشکار و ایضا جاسوس - دولت بازرگان، ساواکی‌ها موفق شدند از گنجی ضربات سهمگین انقلاب بدر آمده و به تجدید سازمان بپردازند.

در این دوره حتی کار به آنجا کشید که افراد و عناصر ساواک برای دریافت حقوق و مزایایی که در رژیم شاه امریکائی از آن برخوردار بودند، دست به تظاهرات و نمایش خیابانی زدند!

از آن پس دسته‌ها و محافل سازمان‌یافته ساواکی اقدامات مخرب خود را به نحو خطرناکی گسترش دادند. انحصارطلبی و تنگ‌نظری محافل قشری وابسته به جمهوری اسلامی نیز فضای مناسبی برای تنفس این جنایتکاران فراهم آورد در پی هر حمله‌ای که به دفاتر احزاب و سازمان‌های مترقی انجام می‌شد، هر چپاتی که علیه میتینگ‌ها و نمایش‌های ضدامریالیستی این نیروها به هوا رفت، هر قدمی که برای لگدمال کردن آزادی‌های سیاسی برداشته شد، ساواکی‌ها جان تازه‌ای یافتند و عناصر این سازمان جنایتکار به‌نوبه خود در تمامی این اقدامات ضدقانونی و ضدانقلابی فوق شرکت جسته و در بعضی موارد حتی

همانگی این دو دولت نظامی دست‌نشانده امریکا برای به‌اجرا درآوردن سیاست‌های ماجراجویانه "پنتاگون" و "سیا" و بطور مشخص در تدارک و تمهیدات اجرای سیاست تجاوز و جنگ امریکا در مرزهای کشور و متعاقب آن تجاوز نظامی به میهن انقلابی ما، دید

باید چشمان خود را بر این خطرات باز نماییم و در قبال نقشه‌های توطئه‌گرایانه این دو حکومت امریکائی، هشاری خود را دو چندان کنیم. همه حوادث ریز و درشت را در مرزهای شمال غربی و جنوب شرقی میهنمان به دقت تعقیب و به طریق مناسب، مردم قهرمانان را

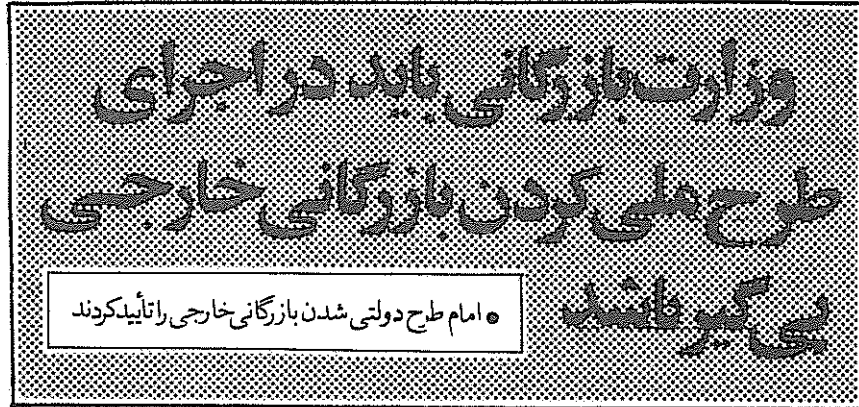
برای مقابله با هر توطئه و تجاوز احتمالی آماده نماییم و بالاخره بکوشیم تا روند اتحاد با کشورهای مترقی منطقه، شتاب جدی‌تر و بیشتری بر خود بگیرد.

تنها در چنین صورتی است که توطئه‌های مشترک کودتاگران امریکائی و ضیاء الحق امریکائی، عقیم خواهد ماند.

عسکراولادی تقویت و یاری بخش خصوصی در صادرات است :

"بخش خصوصی در امر توزیع تقویت خواهد شد و تا آنجایی که دولت بتواند بخش خصوصی را در امر صادرات یاری می کند . البته صادرات باید ملی شود ولی چون از نظر ارزی و کشاورزی اجتناب داریم مسلما به ارز صادراتی ما آسیب فراوانی وارد می شود" (اطلاعات ۳۰ شهریور)

آقای عسکراولادی با دولتی شدن صادرات مخالف است و این نکته را در برنامه وزارت بازرگانی نیز مشخص کرده است به اعتقاد ایشان اگر دولت صادرات را در دست گیرد صادرات کاهش خواهد یافت و به کشاورزی و درآمدهای ارزی کشور آسیب وارد خواهد شد اما ایشان دلیل این ادعا را توضیح نمی دهند ما می پرسیم که "یاری بخش خصوصی در امر صادرات" واقعا به نفع که تمام خواهد شد؟ آیا افزایش جواز و تسهیلات صادراتی به دهقانان خردمبای تولیدکننده بسته یا کمتر کمک خواهد رساند یا به سرمایه داران سررگی که قادر بوده و هستند که بزرگان دهقانان خردمبای صادرکنندگان کوچک و مصرف کنندگان داخلی به خرید و انبارکردن این محصولات بپردازند؟ به اعتقاد ما سیاست افزایش جواز و تسهیلات صادراتی در چارچوب "تجارت آزاد" به رشد سرمایه داران انحصاری منتهی می شود و نه به بهبود کشاورزی و وضعیت ذخایر ارزی به هر صورت ما بر این نظریه که طبق اصل ۴۴ قانون اساسی بازرگانی خارجی یعنی صادرات و واردات هر دو باید در اختیار دولت قرار گیرد و دولت نیز مجاز به واگذاری حق انحصاری خود به بخش خصوصی نیست . بر این اساس تصمیم به تقویت بی قید و شرط بخش خصوصی در امر صادرات (یا توزیع) در حیطه اختیارات دولت یا بقیه در صفحه ۱۴



عهده بگیرد از اصل ۴۴ قانون اساسی دور می شود مثلا اگر بخواهد آهن را خود وزارتخانه راسا توزیع کند از پیاده کردن تجارت خارجی باز می ماند" (اطلاعات ۳۰ شهریور)

البته ایشان در همین مصاحبه ادامه می دهند :

"برای اینکه سوء استفاده هایی نشود، اتاق بازرگانی و کمیته صنفی را تغییر اساسی داده ایم بطوری که اتاق بازرگانی و کمیته صنفی دوبا باشند برای شکل دادن تعاونی ها که تعاونی ها محیطی برای سرمایه داران نشود (جمهوری اسلامی ۳۰ شهریور)

مسائل آقای وزیر بازرگانی می پرسیم که شما از کدام تغییر اساسی صحبت می کنید و این دو ارگان که تحت تسلط سرمایه داران بزرگ و کهنه کار است چگونه مانع نشود سرمایه داران بزرگ به تعاونی ها خواهد شد؟ آنچه را که ما عینا در مورد تعاونی های آهن شاهد بوده ایم با این سخن سازگار نمی یابیم . آقای عسکراولادی اساسا بر این اعتقاد است که بخش خصوصی باید در امر توزیع تقویت شود . به اعتقاد ما این معایر اصل ۴۴ است که با تاکید بر توسعه دو بخش دولتی و تعاونی در واقع بخش خصوصی را به محدوده های کوچکتر از آنچه در گذشته بود می راند و تقویت بخش خصوصی در بازرگانی داخلی اساسا در خلاف این جهت است . سومین محور سیاست آقای

مشکل کننده خرده فروشان و صنعتگران باید مورد حمایت بی دریغ دولت قرار گیرد چرا که چنین نهادی جایگزین نظام عمده فروشی انحصاری کنونی و تا حدود زیادی چاره ساز مسائل احتکار و گرانی خواهد شد . اما ما در عین حال شاهدیم که چگونه سرمایه داران و تجار انحصاری و عمده فروش به تکاپو افتاده اند تا تحت پوشش تعاونی به حفظ وضعیت گذشته و گاه تقویت قدرت انحصاری خود بپردازند نمونه بارز این حرکت را در مورد تجار بزرگ آهن مشاهده می توان کرد که به مجرد تشکیل مرکز تهیه و توزیع فلزات به تشکیل تعاونی جدید ، احیای تعاونی قدیم و نفوذ در مرکز مزبور پرداختند تا توزیع آهن را که بنا به قانون برعهده آن مرکز بود در تسلط انحصاری خویش گیرند در این زمینه دو تعاونی عمده و رقیب به طرق گوناگون به مقابله با یکدیگر برخاستند و هریک کوشیده تا دیگری را از میدان بدر کند تا سرانجام در اوائل سال جاری وزارت بازرگانی، توزیع شش نوع آهن آلات اصلی را خود در اختیار گرفت و از تعاونی های مزبور خلع ید کرد . اما وزیر جدید بازرگانی در کمتر از یک هفته از شروع کار خود دو تعاونی مزبور را به ترک خاصه فرآخواند و توزیع آهن را مجدداً به آنها سپرد (اطلاعات ۳ شهریور)

آقای عسکراولادی در توضیح این سیاست خود گفت : " اگر وزارت بازرگانی توزیع را در سطح خرد به

تشکیل مراکز مزبور گفته ایم که آن قانون فاقد شرایط حداقل برای تحقق اصل ۴۴ بوده و در بهترین شرایط تنها اصلاحات ناچیزی را در وضع تجارت خارجی و نظام توزیع داخلی کشور پدید خواهد آورد . عملکرد مرکز تهیه و توزیع ایجاد شده موید این ارزیابی بود ، تا آنجا که در لایحه جدید دولتی کردن بازرگانی خارجی که در اردیبهشت ۶۰ توسط دولت شهید رحایی تقدیم مجلس شد ، دولتی کردن کامل واردات و صادرات ، و ایجاد مراکز جدید پیش بینی گردید . اما آقای عسکراولادی در برنامه خود برای وزارت بازرگانی نه تنها از لایحه تقدیمی به مجلس سخنی به میان نیاورده ، بلکه محدود صحت مراکز تهیه و توزیع را به پیش کشیده است (کیهان ۲۷ مرداد ۶۰) و همزمان با تلفیفات ایشان مراکز تهیه و توزیع نیز تبلیغ پیرامون فعالیت های خود را با اطلاعیه هایی که حملگی به تیرت" در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی" مزین بود ، شروع کردند . دومین سیاست مورد تاکید آقای عسکراولادی توسعه و تقویت تعاونی های تهیه و توزیع است و در این مورد ایشان همواره به تاکید اصل ۴۴ بر بخش تعاونی استناد می کنند . ما نسبت به نقش شبکه تعاونی ها در نظام بازرگانی داخلی و اهمیت توسعه و تقویت آن با آقای عسکراولادی موافقم اما سوال ما در ماهیت تعاونی های مورد نظر ایشان است به اعتقاد ما تعاونی های تهیه و توزیع به عنوان نهاد

آقای عسکراولادی وزیر بازرگانی پس از ملاقات با امام اعلام کرد : " اسام طرح دولتی شدن بازرگانی خارجی را تأیید کردند" با توجه به این حقیقت که آقای عسکراولادی هیچگاه به صراحت از تحقق کامل اصل ۴۴ قانون اساسی در زمینه ملی کردن تجارت خارجی سخن نگفته بود ، اکنون پس از تأیید صریح امام خمینی مردم و نیروهای مدافع انقلاب می خواهند که وزارت بازرگانی ره نمودارم ، اصل ۴۴ قانون اساسی و خواست توده های میلیونی را بیکرانه متحقق سازد . موقعی که آقای عسکراولادی در کابینه جدید در مقام وزارت بازرگانی ایفا شد یکی از نمایندگان مجلس هنگام دادن رای اعتماد به کابینه آقای موسوی درباره آقای عسکراولادی خاطرنشان ساخت :

"ایشان به تجارت آزاد و سیستم آزاد عرضه تقاضا معتقد است"

کارکرد جناب وزیر نیز ، هم در کابینه قبلی و هم در کابینه جدید تاکنون موید این نظر بوده است . آقای عسکراولادی در برنامه خود برای وزارت بازرگانی و در مصاحبه ها و اظهارات پراکنده ای که تاکنون داشت بر بسط و گسترش "مراکز تهیه و توزیع" و "تعاونی های تهیه و توزیع" و بر گسترش صادرات "تاکید کرده اند . پس از ملاقات با امام نیز با تاکید خاصی ، (خاص ایشان) گفت :

"توزیع داخلی به عهده بخش خصوصی است" خوب است با توجه به سوابق و عملکرد جناب وزیر در این "تاکیدات" مکت کنیم و ببینیم تا چه اندازه این تاکیدات با روح اصل ۴۴ قانون اساسی سازگار است "مراکز تهیه و توزیع" مراکز است که بر طبق مصوبه شورای انقلاب (اردیبهشت ۵۹) تشکیل گردیده ، واردات دولتی و نظارت بر واردات خصوصی و توزیع داخلی آنها را عهده دار شده است . ما قولا درباره قانون

گسسته باد همه وابستگی های اقتصادی ، سیاسی ، نظامی ، فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا

شورای نگهبان با رأی اکثریت مجلس که بسود مردم مستأجر و بی خانه بود مخالفت کرد

• اقدام اخیر شورای نگهبان آشکارا مغایر نظرات صریح امام خمینی، اکثریت مجلس و دیگر نیروهای اصل خط امام در دفاع از محرومان است

کرد

هفته پیش مجلس لایحه‌ای درباره توقف احکام تخلیه خانه‌ها و آپارتمان‌های اجاره‌ای به تصویب رساند که شورای نگهبان علیرغم آگاهی از تمایل امام و حمایت صریح ایشان از نظرات اکثریت مجلس آن را رد کرد و به مجلس بازپس فرستاد.

ببینیم این لایحه چیست ؟

در سال ۱۳۵۶ دولت ضد مردمی شاه قانونی را به تصویب رساند که براساس آن اجاره واحدهای مسکونی تابع قوانین مدنی بوده و مستاجر پس از انقضای مدت قرارداد دارای حقوقی معین برای استفاده از ملک مورد اجاره نیست. این قانون رسماً قانون قدیمی مربوط به روابط مالک و مستاجر را که بر اساس آن مالک نمی‌توانست مگر در شرایطی خاص مستاجر را مجبور به تخلیه واحد مسکونی سازد، ملغی اعلام کرد.

در شرایط کنونی که قیمت‌ها پیوسته رو به افزایش دارد، قیمت مسکن و اجاره‌ها همچنان سر صعودی را می‌بینیم و دولت جمهوری اسلامی ناوجود تاکیدات مکرر امام بر ضرورت رسیدگی فوری به اینگونه نیازهای مستضعفین به دلایل موانع جدی از حمله مخالفت‌های شورای نگهبان هنوز سیاستی روشن و معین درباره تأمین مسکن مردم زحمتکش میهن اتخاذ نکرده و باعث آن گشته که توده عظیمی از مردم شهرها، همچنان در واحدهای مسکونی اجاره‌ای زندگی کنند. از طرف دیگر مالکان واحدهای مسکونی برای افزودن به قیمت است اجاره‌ها، کوشش می‌کنند پس از انقضای مدت قرارداد با مستاجر را مجبور به تخلیه کرده و واحد مسکونی را به قیمتی بالاتر اجاره دهند و یا با استناد به همان قانون "آریامهری" مستاجر را ناگزیر به پرداخت اجاره‌بهای بیشتری کنند.

هنگامی که لایحه معاملات واحدهای مسکونی مطرح شد، شورای نگهبان هم با دخالت دولت در کنترل قیمت واحدهای مسکونی و هم با اجاره دادن واحدهای مسکونی خالی که مالکان آنها را "احتکار" کرده‌اند، مخالفت کرد و این لایحه را مغایر " موازیمن



کرده، از خود واکنش منفی نشان داده و در تصویب چنین لویحی مقاومت و مخالفت کرده است.

اقدام اخیر اکثریت شورای نگهبان آشکارا مغایر نظرات امام، اکثریت مجلس و دیگر نیروهای اصل خط امام است. در واقع شورای نگهبان با این اقدام خویش رأی بر آن داده است که مردم زحمتکش با زن و فرزندانشان از حق زیستن در یک چار دیواری محروم شوند و ملاکان اختیار داشته باشند آنان را به کوچه و خیابان بریزند. چنین دیدگاهی قطعاً نمی‌تواند پیش از این در چارچوب مصالح انقلاب و جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد و با خط مردمی امام خمینی که در جهت انجام اقدامات بنیادی به سود زحمتکشان و مستضعفان سمت‌گیری کرده است، در تناقض نیفتد.

امروز عملاً شورای نگهبان با ترکیب کنونی آن به مانعی جدی در برابر سیاست‌ها و اقدامات مردمی و ترقیخواهانه امام، دولت و اکثریت مجلس شورای اسلامی بدل شده است. وضعیت کنونی شورای نگهبان عملاً این نهاد را به سنگر دفاع از ملاکان، زمینداران بزرگ و کلان سرمایه‌داران تبدیل کرده است.

حیثیّت وضعی ملما نمی‌تواند با وضعیت دشوار و حساس کنونی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران منطبق باشد و طبعاً هرگونه تمکین به تصمیمات انقلاب‌نگران اکثریت شورای نگهبان خطرات جدی برای انقلاب در پی خواهد داشت. پاسخ تاریخی رهبر بزرگ انقلاب، امام خمینی به حجت‌الاسلام رفسحانی بدون تردید وظیفه اکثریت مجلس و نیروهای اصل و مردمی خط امام را در برابر اینگونه موانع روشن کرده است. انقلاب برای تداوم خود به اقدامات عاجل و وحشی در حمایت از خواست محرومان و زحمتکشان جامعه نیازمند است و امروز هر نیرویی که در راه تحقق این خواسته‌ها نایستد بدون تردید دیر یا زود اعتبار خود را در میان مردم از دست خواهد داد و از سر راه انقلاب کنار زده خواهد شد.

که در معرض تخلیه اجباری از خانه اجاره‌ای‌شان بودند، هر چند که نمی‌توان مساله حاد مسکن را با چنین اقدامات جزبی و موضعی برطرف کرد. به دنبال تصویب لایحه مذکور اکثریت شورای نگهبان که بر سر موضوع مالکیت، نظری خلاف اکثریت مجلس و نیروهای واقع پس خط امام دارد و برخلاف رهنمودها و اظهارات امام خمینی به جای دفاع از منافع محرومان و مستضعفان عملاً از ملاکان و سرمایه‌داران دفاع می‌کند با تصویب این لایحه مخالفت کرد و طی اطلاعیه آن را بر خلاف موازین شرعی اعلام کرد و به مجلس بازگرداند.

پس از آن شورای نگهبان که می‌توانیم بکنیم (اطلاعات بیست و یکم آبان ۱۳۶۰) در ادامه این وضع بود که سرانجام مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته لایحه فشارهای ناشی از این وضع تقدیمی از سوی دولت را به مردم محروم تصویب رساند که به موجب آن سگینی می‌کرد کار را به جایی که رسانیده بود که پیش از تصویب تخلیه به تعویق افتد تا در این لایحه اخیر و لغو قانون گذشته مدت دولت لایحه‌های درباره دادستان کل جمهوری اسلامی روابط مالک و مستاجر به ایران از قضات طلب رفت مجلس تقدیم کند. اقدام و گذشت در این باره کرد و مجلس شورای اسلامی اقدامی مثبت بود در جهت مقابله با ... در عین حال ایسن وضع بحرانی هزاران خانواری

سفارش را به قضات کرده‌ایم که قضات محترم باید در مواردی که نسبت به تخلیه مسکن شکایتی می‌شود، مراعات حال مستضعفین را بکنند ... بیستش از این سفارش نمی‌توانیم بکنیم (اطلاعات بیست و یکم آبان ۱۳۶۰)

در ادامه این وضع بود که سرانجام مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته لایحه فشارهای ناشی از این وضع تقدیمی از سوی دولت را به مردم محروم تصویب رساند که به موجب آن سگینی می‌کرد کار را به جایی که رسانیده بود که پیش از تصویب تخلیه به تعویق افتد تا در این لایحه اخیر و لغو قانون گذشته مدت دولت لایحه‌های درباره دادستان کل جمهوری اسلامی روابط مالک و مستاجر به ایران از قضات طلب رفت مجلس تقدیم کند. اقدام و گذشت در این باره کرد و مجلس شورای اسلامی اقدامی مثبت بود در جهت مقابله با ... در عین حال ایسن وضع بحرانی هزاران خانواری



لغو ماده ۳۳ قانون کار خواست عاجل کارگرانست

اخراج های بی رویه و روزافزونی که در واحدهای تولیدی و خدماتی ، با استناد مستقیم و یا غیر مستقیم به ماده ۳۳ قانون کار آریابمبری صورت می گیرد ، آنچنانکه انسان فضای تنگ و ناخوشایندی را در رابطه با حق کار و امنیت شغلی کارگران بوجود آورده است که تداوم آن نمی تواند عوارضی جز تشدید مشکل بیکاری و

خنده دار شدن بیشتر حمایت توده های زحمتکش از جمهوری اسلامی را در پی داشته باشد . می توان به حرات گفت که در شرایط کنونی ، ماده ۳۳ از برخی جهات به مراتب بیش از گذشته حقوق اساسی کارگران (به ویژه حق اشتغال و امنیت تعالی آنان) را صایع می سازد ، زیرا وضعیت نامناسب بازار کار و بیکاری مزایده ناشی از بحران اقتصادی کارگران را وادار می کند تحت شرایط سخت تری نیروی کارشان را عرضه کنند . میراث ثوم رژیم صدمردمی پیشین تنها در بحران اقتصادی ، بیکاری ، تورم و مشکلات مشابه آن خلاصه نمی شود ، بلکه همچنین در قالب قوانینی ضدانقلابی و ضدکارگری از قبیل ماده ۳۳ قانون کار ، ماده ۲۵ قانون کارکنان و بکارگزینی و متحصص دیگر نیز منشاء تاثرات مخرب می گردد . ما در اینجا خواهیم گویند جوانسی از تاثرات مخربی را که اجرائی ماده ۳۳ در تشدید مشکلات کنونی کارگران دارد . نشان دهم : در ماه ۳۳ آمده است :

۱ - اخراج به دلیل وضعیت نامساعد اقتصادی :

پس از پیروزی انقلاب بهمین ، بسیاری از صنایع وابسته ، دیگر همچون گذشته نمی توانستند به حیاتشان ادامه دهند (البته دولت بازرگان و پس از آن بنی صدر تلاش کردند که این صنایع به وضع سابق بازگردند . ولی انقلاب ، تشنات آنان را عقیم گذارد) محاصره اقتصادی امپریالیستی نیز بحران را تشدید نمود . این خود موجب تعطیل برخی واحدها و کاهش تولید بسیاری دیگر گردید و زمینه اخراج و بیکاری بخشی از کارگران را در مقیاسی فراتر از گذشته ، فراهم آورد . این موضوع به ویژه در بخش خدمات ، بازتساب بیشتری یافت تعطیل بخش هایی مانند شرکت های ساختمانی ، هتل ها و مراکز جهانگردی و ... منوجب اخراج و بیکاری هزاران کارگر گردید

در مقابل رای خودسرانه و یکجانبه کارفرما در امسر " فسخ قرارداد " (و در واقع اخراج های فردی و دسته جمعی کارگران) قائل نیست از اینرو به متانه حربه برندهای در اختیار کارفرماست تا با آن هر لحظه که اراده کرد امنیت شغلی کارگران را به مخاطره اندازد و ابتدایی ترین حقوق کارگران (حق اشتغال و امنیت شغلی) را " قانونا " باطل کند . اصولا ، زمینه ها و حوالب مخلف اخراج کارگران را - که با استناد مستقیم و غیر مستقیم به ماده ۳۳ گرفته و صورت می گیرد - می توان در وجوه زیر خلاصه کرد :

۲ - اختلال مدیریت و ضدانقلابی و لیبرال در روند تولید

مدیران لیبرال و ضدانقلابی از آغاز پیروزی انقلاب ، به ویژه پس از سقوط دولت بازرگان ، همواره در برابر تداوم تولید ، نوسازی کارخانجات و تاسس استقلال اقتصادی به انحای مختلف اختلال کرده اند . ولی این احلالگری های ضدانقلابی همواره در مقابل خود با سدی نفوذناپذیر از وحدت اراده و فاطمیت انقلابی کارگران و تشکل های کارگری مواجه می شد . از اینرو عناصر ضدانقلابی برای نامس مفضض خود راهی جز توطئه گیری علیه تشکل های کارگری (به ویژه از طریق اخراج بیروترین نمایندگان و رهبران صغی کارگران) نمی دیدند و مهمترین حربه ای که از زرادخانه قانون کار ارتجاعی در اختیارشان بود همان ماده ۳۳ بود . بخش اعظم اخراج های کارگران مارز و انقلابی در این رابطه بوده است .

۳ - تنگ نظری ها و نسدانم کاری های برخی از مسئولین جمهوری اسلامی :

تعداد قابل توجهی از اخراج های دو ساله اخیر که توسط مسئولین جمهوری اسلامی صورت گرفته است بطور مستقیم یا غیرمستقیم به استناد ماده ۳۳ بوده که آخرین نمونه های آن را در کارخانجات ساکا ، پارس الکتریک ، استارلایت و ... می توان دید متاسفانه این تنگ نظری ها ، منشاء اثرات مخربی چه از نظر اقتصادی و چه از نظر سیاسی در کارگران شده است به عنوان مثال در کارخانه استارلایت مدیریت کارخانه مجاوز از ۲۵۵ کارگر زن را عمداً به بهانه هایی نظیر عدم رعایت کامل حجاب اسلامی و ... اخراج کرده است مدیریت این کارخانه که از عناصری مانند شجاعیان (عامل اخراج ۲۴ تن از کارگران ساکا به بهانه ارسال کمک مالی به خانواده کارگر زندای احمد رضا کریمی) تشکیل شده است بدون ذره ای احساس مسئولیت در قبال مصالح انقلاب مبادرت به این اقدام نموده است و ناسف بارتر آنکه این اقدام به عنوان نمونه ای از " فاطمیت " انقلابی آقای شجاعیان مورد تایید وزیر جدید کار نیز قرار گرفته است . در شرکت واحد اتوبوسرانی تعدادی از رانندگان را به علت اینکه در هنگام آتشزدن اتوبوس توسط دار و دسته رجوی خائن ، نتوانستند آنچنانکه باید از اتوبوس شان (که بیت المال است) در مقابل مهاجمین دفاع کنند ، اخراج کرده اند به اغلب کارگرانی که به

" دلایل " فوق الذکر اخراج صغی شوند ، به استناد بخشنامه محرمانه ای (که در رابطه با ماده ۳۳ است) حتی " مزایای " مندرج در ماده ۳۳ نیز تعلق نمی گیرد و مسئله آنها به دادستانی انقلاب ارجاع می شود نه به هیئت های حل اختلاف . ماده ۳۳ در اینجا سلاجی است در دست عناصر تنگ نظر و مغرض و حتی مشکوک ، جهت تفتیش عقاید ، اخراج های ناموجه و اقدامات وحدت شکنانه در کارخانجات دوستان نادان انقلاب که در میان شان دشمنان آگاه و دوست نمای بسیاری نیز پنهان شده اند . ماده ۳۳ قانون کار را جهت تضعیف انقلاب بکار می گیرند .

۴ - مقابله غیراصولی با خواست های صغی رفاهی کارگران :

کارگران ، پس از پیروزی انقلاب با آگاهی بیشتر و با توجه به شرایط جامعه و مصالح انقلاب و با درک ضرورت تحکیم دولت جمهوری اسلامی ایران ، مطالبات و حقوق اولیانه صغی خود را طرح کرده و می کنند . و دولت جمهوری اسلامی نیز متغایلا در برابر مردم (که به قول امام تعهدات انقلابی شان را بنحو احسن انجام داده و می دهند) تعهدات عظیمی دارند و آن پاسخگویی شایسته به خواج انقلابی زحمتکشان است . اما کارگران انقلابی و ایثارگر ما در بسیاری موارد به واسطه وجود عناصر ضدانقلابی و لیبرال و همچنین عناصر تنگ نظر و ناآگاه در مواضع تصمیم گیری نه تنها پاسخ شایسته ای نشیده اند ، بلکه در موارد بسیاری در جواب مطالبات پیگیرانه شان نصیبی جز اخراج (آن هم به استناد ماده ۳۳) نبردند . اینگونه اخراج ها اغلب در پاسخ مطالباتی چون ایجاد تشکل کارگری (شورا ، سندیکا) برخوردارشدن از مزایای تأمین اجتماعی و شرایط عادلانه کار و ... صورت گرفته است و متاسفانه در بسیاری از این موارد

" هرگاه قرارداد کار برای مدت نامحدود منعقد شده باشد هر یک از طرفین (کارفرما و کارگر) می تواند با ۵ روز اخطار کتبی قبلی ، آن را فسخ نماید . .

این ماده ، قراردادهای منعقد را نه در چارچوب قراردادهای دسته جمعی میان کارفرما و تشکل کارگری ، بلکه در چارچوب قراردادهای عادی (و هر لحظه قابل فسخ) بین کارفرما و افراد کارگر می بیند و برای تشکل های کارگری کمترین حقی

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر

پیشتباز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



عناصر ناآگاهی پیدا می شوند که بدون توجه به شرایط طاقت فرسای کار ، مطالبات انسانی و عادلانه کارگران را برای زندگی بهتر ، تحت عنوان "خط رفاه طلبی" محکوم می کنند و آن به آسیب لیبرالها و ضدانقلابیونی می ریزد که با ماده ۳۳ جواب کارگران را می دهند .

۵- حرص و آرزوهای فراوان کارفرمایان در استعمار کارگران :

اخراج فردی و دسته جمعی کارگران ، در رابطه با طمع سودجویی هرچه بیشتر سرمایه داران ، در واحدهای خصوصی بطور چشمگیری معمول و رایج است کارفرمایان کارگرانی را که به علت افزایش سن و یا نقض عضو و اصولا وقتی که نتوانند آنچنانکه کارفرما می خواهد بهره‌وری داشته باشند ، با استناد به ماده ۳۳ "قانونا" اخراج می کنند . در اینجا ماده ۳۳ ، سلاحی است در دست کارفرمایان برای استثمار هرچه بیشتر کارگران کشاورزی نیز از وجود چنین ماده‌ای در رنجند ماده ۲۵ قانون کشاورزی نیز همانند ماده ۳۳ قانون کار ، برگ برنده کارفرمایان است . بر اساس این مواد (۳۳ قانون کار و ۲۵ قانون کار کشاورزی) ، کارفرما می تواند به هر دلیلی کارگر را اخراج کند و کارگر هیچگونه حقی در امتناع از این حکم ندارد . ماده ۳۳ تنها تعهدی که برای کارفرما می شناسد ، پرداخت مزایای اخراج است که هیچگاه راهبهای تقلیل آن و حتی گاهی ، گریز از آن "تعهد بسته نیست در این ماده آمده است :

" کارگر اخراجی در صورتی که یک سال اعم از متوالی یا متناوب نزد کارفرما خدمت کرده باشد ، کارفرما بایستی در موقع فسخ قرارداد به نسبت هر یک سال خدمت ، معادل ۱۵ روز آخرین مزد کارگر را بدهد او پرداخت نماید و در صورتی که تا تاریخ خاتمه خدمت خود لااقل سه ماه متوالی و یا ۶ ماه متناوب نزد کارفرما خدمت کرده باشد حق دارد ظرف

۱۵ روز به مراجع مذکور در فصل حل اختلاف ، شکایت کند و مراجع مذکور می توانند با توجه به مدت کار و میزان مزد و سن و عائله کارگر و سایر شرایط و اوضاع و احوال اضافه بر وجوه مذکور در فوق میلی که از جمع مزد سه ساله کارگر تجاوز نکند به عنوان خسارت تعیین نمایند

این ماده به بسیاری از کارفرمایان آموخته است که کارگران را بطور موقت و برای مدت کمتر از ۳ ماه به خدمت گیرند تا از پرداخت خسارت اخراج معاف شوند (مناسفانه سازمانهای دولتی جمهوری اسلامی نیز به ویژه شهرداریها از این موضوع وسعا استفاده می کنند) همچنین کارفرمایان با استفاده از این ماده و با معطل کردن کارگران به مدت بیست و یک روز (به بهانه های مختلف) از شکایت به موقع آنها به مراجع قانونی جلوگیری کرده و از پرداخت "مزایای اخراج خودداری می کنند . ماده ۳۴ قانون کار نیز در این زمینه به کمک کارفرمایان می آید تا اگر بتوانند تقصیری برای کارگران برترانند از پرداخت خسارت اخراج معاف شوند . البته بی اطلاع کارگران از مقررات نیز خود کمک موثری (در جهت شانه خالی کردن از پرداخت خسارت) به کارفرمایان می کند . مناسفانه پس از انقلاب در زمان وزارت فروهر و سپس نعمت زاده ، خسارت اخراج از ۳ ماه حقوق در سال ابتدا به ۲ ماه و بعد به ۴۵ روز کاهش یافت و با این کار نیز کمک دیگری به کارفرمایان شد . از طرفی با بخشنامه شماره ۵۱۸۳ اردیبهشت ماه ۶۰ که پرداخت خسارت اخراج به کارگران خارجی بدون پروانه کار را مجاز نمی داند عملا به کارفرمایان سودجو جهت استخدام غیرقانونی کارگران افغانی و اخراج کارگران ایرانی بهترین مجوز را داد . (هر چند که این بخشنامه و بخشنامه های مشابه آن عمدتا در رابطه با غیرقانونی کردن استخدام کارگران افغانی و پاکستانی که پروانه اقامت رسمی و کار ندارند ، تنظیم شده بود ، و هدف آن حمایت از حق قانونی کارگران ایرانی جهت اشتغال بود) بهر حال ماده ۳۳ قانون کار بهترین روابط ظالمانه را در مناسبات میان

کارگر و کارفرما حفظ می کند . این ماده حق اعتراض را از کارگر سلب می کند و آنان را به تسلیم و تمکین در برابر اراده کارفرما وامی دارد . در مجموع ، اخراج هایی که به استناد این ماده صورت می گیرد ، در شرایط کنونی که جامعه ما با مشکلات اقتصادی بسیاری روبروست زمینه مناسبی برای ضدانقلاب و سازشکاران پدید آورده است که بتوانند با تبلیغات مسموم خود ، ناراضی را افزایش دهند و حمایت فعالانه طبقه کارگر را از انقلاب خدشه دار سازند . مسلما ضدانقلاب از این شمشیری که در کف دارد نهایت بهره‌جویی را می کند کارگران مبارز و انقلابی ایران ، به ویژه پس از پیروزی انقلاب بارها و بارها از مقامات مسئول خواسته اند که با تصویب یک قانون کار انقلابی و بخصوص با لغو هر چه سریع تر ماده ۳۳ (که حربه سرمایه داران علیه کارگران است) پاسخگویی به جوانج اولیه و مقدم کارگران را بعهده نمایند . در همه تظاهرات و گردهمایی های کارگران لغو این ماده ضد کارگری همواره از میرم ترین مطالبات کارگران بوده است فنانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصول ۲۸ ، ۴۳ و ۴۶ خود

مضمون ماده ۳۳ را اساسا مردود می داند . ولی مناسفانه مقامات وزارت کار و امور اجتماعی در لغو این ماده تعلل ورزیده اند و حتی نعمت زاده وزیر اسبق کار در مصاحبه های گفته بود :

" اصولا چنین ماده‌ای را نمی شود لغو کرد " (اطلاعات ۲۴ دی ماه ۵۸)

برخورد مقامات وزارت کار در قبال این مسئله در حال حاضر نیز مسئولانه نیست ، چون از سویی دست هبتهای حل اختلاف را (برای صدور آراء متناسب با اعمال فشارها و دستورالعمل های متعدد) بسته اند و از سوی دیگر در برخورد با موارد مشخص موضع گیری های یکجانبه می کنند . در این زمینه ، تنها اقدام قابل توجه و مثبت وزارت کار احراز مصونیت برای نمایندگان شوراهای اسلامی کارگران و موسسین آن بوده است . اکنون بر مقامات مسئول است که هرچه زودتر با تدوین و تصویب یک قانون کار و تأمین اجتماعی مترقی برابری حقوق کار مندرج در قانون اساسی و شرکت و همکاری فعال شکل های کارگری به خواست های

عادلانه کارگران پاسخ گویند بدیهی است که در قانون کار جدید باید به جای ماده ۳۳ ضوابطی انقلابی ناظر بر چگونگی برکناری موقت و یا جابجایی کارگران باشد . در این اصول ، کارفرما نباید بطور یکجانبه و به میل خود قادر به اخراج کارگران باشد و انفصال از کار در موسسه یا کارخانه باید مشروط به توافق شورای کارگری و نیز با استناد به دلایلی نظیر ضوابط زیر امکان پذیر باشد :

تجدید سازماندهی تولید یا تعطیل کارگاه ، عدم تطبیق شغل و ضرورت انتقال به کار دیگر ، قصور مداوم کارگر در کار (به تشخیص شورای کارگاه) ، غیبت طولانی در کار بدون عذر مسوجه و ...

ضوابط انقلابی جدید باید بر حق نظارت شکل های کارگری (شورا ، سندیکا) در امر استخدام کارگران و ممنوعیت هرگونه اخراج بدون مشورت قبلی با شکل های کارگری مبتنی باشد . و اما تا تصویب قانون کار جدید ، باید وزارت کار ، شرایط اخراج را محدود کند و بجز در موارد تعطیل ضروری کارگاه ها ، فقط در صورت اثبات تقصیر کارگر (با تشخیص شورای کارگری واحد و بازرس وزارت کار) اخراج مجاز باشد .

وزیر صنایع و معادن:

«مدیران کارخانجات تولیدی

ملزم به ارائه گزارش کار به کارکنان هستند»

هفته گذشته آقای هاشمی وزیر صنایع طی اطلاعیه‌ای مدیران کارخانجات تولیدی را ملزم به ارائه گزارش کارکرد ماهانه کارخانه به کارکنان کرد . این گزارشها که شامل اطلاعات ضرور درباره میزان تولید ، ضایعات فروش ، هزینه ، سود و زیان ، درجه کیفیت کالای تولید شده ، میزان بدهی کارخانه و مشکلات موجود کارخانه می شود ، مطابق مضمون اطلاعیه به منظور آشنایی بیشتر کارگران

با مشکلات تولید و شمر بخش ساختن تلاش های آنان در جهت افزایش تولید ، بهبود کیفیت کار ، تقلیل ضایعات و پیشبرد مبارزه علیه وابستگی و جهاد برای پیروزی انقلاب است یا تاکید بر اینکه آگاهی کارگران بر این مشکلات و تلاش آنها در این راه ، مشکلات موجود کارخانجات و صنعت را سریع تر حل خواهد کرد . بدون شک ، حق مشارکت دموکراتیک شکل های کارگری در امر اداره تولید یکی از

ارزنده ترین دستاوردهای انقلاب بهمن و بالاخص جنبش کارگری ایران است . اعمال این حق انقلابی در واحدهای تولیدی و صنعتی معتبرترین تضمین اجتماعی در حسن اداره این واحدها و کارآیی موثرتر آنهاست شوراهای کارگری به مثابه مهمترین شکل های کارگری - سندیکایی موجود ، در جریان انقلاب و پس از آن ، با شایستگی ستایش انگیزی نشان دادند که نه تنها در مبارزه

خبرهایی از روستاهای کشور

دستاوردهای انقلاب و جمهوراسلامی بکشاند.

روستاهای هشتروند و خواست های دهقانان

روستاهای تابعه شهرستان هشتروند واقع در آذربایجان را اغلب دهات کوچک و کم جمعیت تشکیل می دهند. بطور متوسط در این روستاها بین ۱۲ تا ۵۰ خانوار و در تعداد معدودی از آنها نیز بیش از ۱۰۰ خانوار زندگی می کنند. زندگی این روستائیان عمدتاً از راه کشاورزی و در درجه بعد دامپروری (به ویژه در منطقه سهندآور) و پرورش زنبور عسل تأمین می شود. مردم این منطقه از حداقل امکانات رفاهی نیز برخوردار نبوده و متحمل محرومیت های زیادی از جمله عدم وجود آب، برق، مدرسه، حمام، جاده و غیره می باشند. در حالی که تعداد کمی از روستاها که سابقاً ارباب خود در آنجا ساکن بوده از بعضی امکانات نظیر آب لوله کشی، برق برخوردارند. برای اکثر روستاها تأمین آب و برق در درجه اول اهمیت قرار دارد. جیره بندی ارزاق عمومی نیز در اغلب روستاها یا انجام نشده و یا سهمیه منظور شده کفاف مایحتاج دهقانان را نمی کند و آنان برای تهیه این مایحتاج خود مجبور به پرداخت قیمت های سنگین در بازار آزاد هستند که نمونه آن قند است که به دلیل کمی سهمیه دولتی روستائیان مجبور به خرید آن از بازار آزاد و به قیمت ۳۵۰ کیلویی ۲۵۰ ریال هستند. در روستاهای منطقه هشتروند (به ویژه دهات پر جمعیت و دهاتی که ارباب خود ساکن آنجا بوده) بعد از پیروزی انقلاب ما شاهد اوج گیری مبارزات دهقانان علیه فئودالها عمدتاً به

ارومیه - طی چند روز گذشته، دهقانان زحمتکش روستای "حیدرلو" شاهد تقسیم ۱۳۵ هکتار از اراضی فئودالها بین افراد کم زمین و بی زمین روستای خود بودند. این زمینها که متعلق به چندتن از مالکین منفور منطقه بود با رعایت ضوابط قانونی از طرف هیات هفت نفره مصادره و در اختیار دهقانان قرار گرفت. مسئول هیات در مقابل سؤال یکی از فئودالهای صدانقلابی که پرسیده بود "چرا به ما ظلم روا می دارید" پاسخ داد: "اگر قرار شد شما خمس و زکاة عقب افتاده این زمینها را بپردازید، آن وقت حتی آن قطعه کوچکی هم که برای شما باقی گذاشته ایم نمی ماند" و یا در مقابل مباشر یکی از فئودالها که ادعا می کرد گویا این اربابانش بودند که در مقابل گلوله های باند قاسم سینه سیر کرده و از جمهوری اسلامی دفاع کرده بودند گفت: "من در سینه شما چیزی جز هم آوایی یا آن صدانقلابیون نمی بینم" قابل توضیح اینکه زمینهایی که دارای خاک مرغوب تری بودند در حدود ۳۰ طناب به دهقانان بی زمین تعلق گرفت و بقیه زمینها که نامرغوب اما در وسعت بیشتری بودند در اختیار دهقانان کم زمین قرار داده شد. ما ضمن تأیید این اقدام انقلابی هیات هفت نفری واکداری زمین ارومیه، از مسئولین جمهوری اسلامی و به ویژه نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی می خواهیم که با تصویب و اجرای هرچه سریع تر بندهای "د" قانون اصلاحات ارضی همه دهقانان زحمتکش سراسر کشور را از بند فئودالها رها نموده و نیروی لایزال آنان را به دفاع از

صورت نوشتن طومار و شکایات و مراجعات پیگیر و مستمر به نهادهای انقلابی ندانن اجاره زمینها به ارباب بیرون کردن ارباب از ده و دستگیری و تحویل آنها به ارگانهای انقلابی می باشیم که به ویژه همکاری و همدردی این ارگانها با زحمتکشان اثرات مطلوب و امیدوارکننده ای در آنان باقی گذاشته است. شکل دهقانان این منطقه عمدتاً در شوراهای اسلامی روستاهاست که با کمک و کوشش نهادهای مردمی جمهوری اسلامی شکل گرفته و تبلیغات سیاسی و فعالیت های عملی آنها در جهت برآوردن نیازهای زندگی مردم نتایج شمرخشی بیار آورده است. در حال حاضر در اغلب روستاها شورا تشکیل شده و هرچه می گذرد حمایت فعال دهقانان به ویژه اقشار زحمتکش از این شوراها رو به فزونی می گیرد این شوراها علاوه بر وظایفی که از قبل برعهده شان گذاشته شده، طبق ضرورت و خواست روستائیان وظایف جدیدی از جمله تعیین سهمیه و جیره بندی ارزاق عمومی روستا را بر عهده گرفته اند. به علاوه در مواردی برای مقابله با توطئه های رنگارنگ فئودالها و راهزنی در جاده های روستایی (اخیراً فئودالها در تعدادی از روستاهای منطقه از جمله ده چارواغی اقدام به آتش زدن پشته های علف جمع آوری شده و کشتزارهای گندم و راهزنی نموده اند) تعیین کشیک شبانه برای حفاظت از روستا و مزارع به اهتمام شورا انجام یافته است این را هم باید اضافه کرد که در تعداد معدودی از روستاها نیز هنوز شورا بوجود نیامده است که باید در این زمینه اقدام کرد.

فعالیت های ۷ نفره در روستاهای تابعه هشتروند

هیات هفت نفری واکداری زمین هشتروند، از ابتدای کار خود تاکنون، مجموعاً عملکردی فعال و مترقی

از خود نشان داده است. این هیات علاوه بر تقسیم هکتارها زمین بین دهقانان کم زمین و بی زمین منطقه کام های بزرگی در جهت انعکاس سریع و پیگیر خواست های روستائیان به نهادهای مسئول و در نتیجه تأمین حتی المقدور نیازهای آنان برداشته است از جمله هیات تقسیم زمین تعدادی تراکتور با قیمت مناسب در اختیار روستائیان گذاشته و در مواردی به دادن وام یکساله برای کاشت محصول اقدام کرده است. هیات همچنین در جلب همکاری هرچه بیشتر سایر نهادها از جمله جهاد برای دراختیار گذاشتن کمابین جهت درو که با قیمت مناسب به دهقانان اجازه داده شد نقش موثری داشته است. به علاوه این نهاد در جهت تسریع سهمیه بندی ارزاق عمومی برای روستاها فعال بوده و ابتدا خود این وظیفه را به عهده گرفته و آنگاه به شوراها روستایی محول نموده است. هیات هفت نفره هشتروند همچنین طبق برنامه به تبلیغات سیاسی آگاهگران در روستاها می پردازد. محور اساسی تبلیغات سیاسی هیات جول ضرورت اجرای بندهای "ج" و "د" اصلاحات ارضی، شناساندن ماهیت مردمی حکومت جمهوری اسلامی به دهقانان و افشای چهره ضدانقلاب و افشای چهره ضدانقلاب در روستا یعنی فئودالها و زمینداران بزرگ دور می زند. بخش وسیعی از زحمتکشان روستاها در اثر این تبلیغات آگاهگرانه و مشاهده عملکردهای مردمی این نهاد، اعتماد زیادی به آن پیدا کرده اند. کشت زمین های مصادره شده ای که به دهقانان واگذار گردیده به صورت مشاع است این شیوه کشت در بعضی روستاهای دور افتاده و محروم به صورت خوبی پذیرفته شده اما در بسیاری روستاها نسبت به این شیوه کشت اعتراضات جدی صورت گرفته است علت اصلی اعتراض دهقانان به این شیوه که تا حدی طبیعی نیز هست عبارت از این است که افراد کارآمد خانواده های روستایی که بر روی زمین کار می کنند اغلب از یک خانواده یا خانواده دیگر متفاوت است مثلاً ۳ نفر از یک خانواده ۲ نفر از خانواده دیگر... روی زمین کار می کنند و پس از برداشت محصول با وجود این اختلاف نیروی کار که روی زمین صرف کرده اند سهم برابر می برند. این مساله اعتراضات و مشکلاتی ایجاد کرده است که هیات ۷ نفره می تواند با تکیه بر آئین نامه مشاع که در آن آمده است: "... و محصول نیز در آخر هر سال بنا به میزان کاری که کشاورزان انجام داده اند و زمین و آبی که در مشاع دارند بین اعضاء مشاع تقسیم می گردد" (آئین نامه مشاع ستاد مرکزی واکداری زمین صفحه ۲) و بابت میزان کار تک تک افراد در جدول کار مساله را به سادگی حل کنند

مشکلات و خواست های روستائیان

در حال حاضر علاوه بر مساله کشت مشاع، مهمترین مساله دهقانان را فروش محصولات کشاورزی بخصوص گندم به دولت تشکیل می دهد. قیمت پیشنهادی دولت برای خرید گندم از قرار هر کیلو ۲۹ ریال است در حالی که گندم در بازار آزاد تا کیلویی ۴۸ ریال به فروش می رسد. قیمت تعیین شده با در نظر گرفتن قیمت بذرها، گرانی و تورم موجود مورد اعتراض دهقانان قرار دارد. از دیگر مشکلات روستائیان همچنان که در ابتدا گفته شد عدم وجود آب و برق در بسیاری از روستاها، حمام، مدرسه، راه روستایی، و مسوم دفع آفات است. این موارد نشان دهنده بخششی از مشکلات و خواست های دهقانان و زحمتکشان روستاهای تابعه هشتروند می باشد. ما نظیر مسئولین بخصوص نهادهای انقلابی رابه این کمبودها و مطالبات که خواست مشترک روستائیان سراسر کشور است، جلب می نمایم

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

قانون شکنی، سنگر دشمنان انقلاب است

دادستان کل کشور: اعلامیه ۱۰ ماده‌ای به قوت خود باقی است

اکنون در سخنان مسئولین برجسته جمهوری اسلامی ایران این مسأله بطور جدی مورد تاکید قرار گرفته است که: عدم پایبندی به قانون و کوشش جهت ایجاد محیطی آکنده از تشویش و نگرانی و بی‌اعتمادی نسبت به عملکرد نهادهای قانونی، کار دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است. این مسأله در سخنان پراهمیت حجت‌الاسلام رفسنجانی در خطبه اول نماز جمعه بازناب گسترده‌ای یافت. حجت‌الاسلام رفسنجانی در خطبه نماز گفت:

" سیاست کشور ما این نیست که با بی‌قانونی و با شعار با مردم برخورد کنیم و هر جا که دیدید یک ارگانی چه انقلابی، چه غیرانقلابی، چه آداری، چه غیراداری می‌خواهد برخورد غیرقانونی بکند، این دوست نیست، کار دشمن را می‌کند، نادان است یا دشمن است به لباس دوست درآمده یا قضیه‌اش شکل دیگری دارد"

این سخنان پراهمیت در حالی گفته می‌شود که بخش

را میراث انحصاری خود بدانند"

خوشبختانه اکنون جوانه‌های شناخت و مبارزه با این جریان در حال رشد است. حجت‌الاسلام خامنه‌ای رئیس جمهور چندی پیش از تلویزیون اعلام داشت:

بایستی امنیت اجتماعی و قضایی و امنیت کامل محیط زندگی و محیط کار را برای همه افراد فراهم کنیم و وجه دیگر این اصل این است که همه کسانی که وفادار به جمهوری اسلامی هستند و نظام جمهوری اسلامی ایران را قبول دارند، با هر اندیشه و تفکری بتوانند آزادانه زندگی کنند و کسی به آنها تعرض نکند"

این سخن رئیس‌جمهور پست‌های بنیادی ایشان را به رهنمودهای امام خمینی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باز دیگر مورد تایید قرار می‌دهد. در این مورد اصول بیست و دوم و بیست و سوم قانون اساسی بقیه در صفحه ۱۰

کردند، همچون بسیاری موارد دیگر هیچگاه خود را ملزم به رعایت رهنمودهای امام خمینی نیافته‌اند. تا جایی که می‌توان گفت گرایش خودمحوری و تنگ‌نگرانه در جمهوری اسلامی ایران بستر اصلی هرگونه عمل بی‌رویه و قانون‌شکنانه است. نمایندگان این تفکر در نهادهای جمهوری اسلامی ایران با عملکردهای مخرب خود اعتماد مردم و نیروهای مردمی را به انقلاب تضعیف و در راه همکاری و اتحاد نیروهای مردمی که شرط حیاتی برای دفاع پیکر از دستاوردهای انقلاب و خنثی نمودن توطئه‌های امپریالیسم است، سنگ اندازی می‌کنند. آیت‌الله منتظری در مخالفت با این جریان اظهار داشته‌اند:

" به نظر این جانب خط امام بهترین واصل‌ترین محوری است که می‌توان در تقسیم مسئولیت‌ها ملاک قرار داد و نباید هیچ گروه و یا جمعیتی انقلاب

اقتصادی و فرهنگی تسلط غارتگران خارجی، یعنی امپریالیسم جهانی را لجام‌زدن به همه خودمحروران و تنگ‌نگران و قشری‌گرایان که برای سایر انقلابیون حتی قائل نیستند، و می‌کوشند تا زورمداری را جانشین آزادی برای توده‌ها سازند همراه خواهد بود"

نموده‌قابل توجه افراطیون مذهبی که حامل گرایش‌های خودمحوری و تنگ‌نگرانه می‌باشند، تاکنون به جریان تصحیح شناخت انقلاب از مدافعین و دوستان خود و مبارزه جدی با دشمنان صدمات فراوانی وارد آورده و می‌آورد. حاملین چنین گرایش مخربی در جمهوری اسلامی ایران همواره باعث گردیده‌اند تا در مبارزه با جبهه ضدانقلاب سیاست‌هایی اتخاذ شود که انقلاب برای کسب پیروزی سنگین‌ترین بهای ممکن را پرداخته است. آنها علیرغم این سخن امام که اصل را سال قانون اعلام

مهمی از آزادی‌های فردی و اجتماعی تصریح شده در قانون اساسی به حالت تعطیل در آمده و علیرغم اعلام مکرر پایبندی جمهوری اسلامی ایران به اعلامیه ده ماده‌ای دادستان کل در مورد آزادی فعالیت احزاب و سازمان‌هایی که در چارچوب قانون اساسی عمل می‌کنند، اجرای بدون خدشه این اعلامیه هنوز با موانع جدی روبرو است.

ما مسئولیت بوجود آمدن چنین وضع دشوار و تاسف‌آوری را در درجه اول برعهده جبهه گسترده ضدانقلاب و پس از آن برعهده عناصر و نیروهای قشری و تنگ‌نگر در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران می‌دانیم. در مورد راه فائق آمدن بر این دشواری در بیانیه مشترک حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ساززه در راه تامین آزادی برای توده‌های دهها میلیونی حیرا با سرکوب آشتی‌ناپذیر ضدانقلاب با قطع همه ریشه‌های سیاسی و

بقیه از صفحه ۲

دو سرچشمه

آنها وقتی از این کار نومید شدند با تمام قدرت می‌ایستند و عنودانه مقاومت می‌کنند که نگذارند انقلاب بساط غارتگری‌هایشان را درهم بریزد و امتیازات بناحق ایشان را از آنها پس بگیرد. سرچشمه اصلی، مهم و غیرقابل انکار دشواری‌هایی که سر راه پیشرفت انقلاب ما قرار گرفته است، همین مقاومت ضدانقلابی نیروهای مدافع سرمایه‌داری و فئودالیسم است. و البته انقلاب پادشاهی‌های دیگری نیز مواجه است که سرچشمه‌اش جدا از این سرچشمه است. دشواری‌هایی که بطور عمده ناشی از اشتباهات، بی‌تجربگی‌ها و ویژگی‌های اجتماعی نیروهای مدافع انقلاب است. مسأله این نیست که این دشواری‌ها بی‌اهمیت هستند و می‌توان از آنها گذشت کرد. اشتباهات، بی‌تجربگی‌ها و ترکیب و خصوصیات اجتماعی نیروهای مدافع انقلاب عامل عمده و اساسی در تعیین سرنوشت مبارزه‌ای است که برای آزمایش برداشتن دشواری‌های دسته نخست جریان دارد. این فکر کاملاً درستی است که از هر اشتباه و ضعف ما دشمن تا می‌تواند سود می‌برد و می‌کوشد که ما را ضعیف کند لاکن این فکر درست نیست که اگر کمتر

آزادی بود در این دوره پوشش اصلی " اسلام است. غارتگران جامعه به کمک برخی مراجعی که هم طرفدار سرمایه‌دار هستند و هم طرفدار فئودال، می‌کوشند اسلام " واقعی را همان اسلام امریکایی صدام و خالد و سادات و ضیا الحق معرفی کنند و مجموعه مسلمانان راستین مدافع انقلاب را به " ارتداد " متهم کنند. اشتباهات، بی‌تجربگی‌ها و خودمحوری‌ها و تنگ‌نگری‌هایی که از ویژگی‌های بخشی از نیروهای مدافع انقلاب است و مجموعه ضعف‌های آنان بالطبع مورد استفاده دشمنان انقلاب قرار می‌گیرد. دشمن مسلماً به این نقطه‌ضعف‌ها تصور می‌بندد و بسته است. لاکن خطاست هرگاه تصور شود که اگر ما خطا نکنیم و یا ضعف نداشته باشیم، او از مقاومت عنودانه خود دست بر خواهد داشت. این مقاومت روز به روز شدیدتر می‌شود ولی چنانکه تمام حقایق نشان می‌دهد تناسب قوا نیز چه از جنبه ذهنی و چه از جنبه عینی روز به روز بیشتر به سود دوستان انقلاب برهم می‌خورد. این شورانگیزترین مژده نصرتی است که از هر سو می‌رسد. خروش دهها میلیون مردم میهن ما که تظاهرات عظیم و تاریخی روز جمعه یک‌چشمه‌مان بود نشانگر درستی این داوری است. آری، اگر اراده کنیم و به وظایممان عمل کنیم اطمینان داشته باشیم که فرزندانمان شهید پیروزی را خواهند چشید.

گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند

همبستگی با جنبه جهانی ضد امپریالیستی

ضامن پیروزی انقلاب

را در یک جنبه کرد می آورد برای مقابله با چنین دشمن خونخوار و آماده ای باید مجهز و مسلح بود. این تجهیزات و تسلیح از هر سو که بدان بنگریم، همکاری و همپشتی خلق ها و کشورهای جنبه جهانی انقلاب را می طلبد. آری، داری در مشترک ما، اتحاد است. اتحاد ما

برنده تر است. زیرا که تاریخ نه به پس، که به پیش روی دارد. فردا از آن ماست. لازم به تاکید است که ما از همبستگی سخن می گوئیم زیرا همپشتی اعضای جنبه جهانی انقلاب منکی به استقلال یکایک اعضای آن است و این همکاری داوطلبانه با حفظ مواضع و عقاید و مسلک های متفاوت تنها و تنها ضامن ثبات و پیروزی این جنبه است. تمامی شکوه و زیبایی این جنبه جهانی زحمتکشان در آن است که هرکس با حفظ هویت خود و با دست هایی باز، برای انجام آنچه که می خواهد و صلاح می داند، لیکن در جهت یک هدف، که همانا سرکوب امپریالیسم جهانی و سرخوردنشانند محرومان جهان است. عضویت این جنبه را می پذیرد. از سرخوردن آسانی که حراس عمیل کرده اند، بد بگیریم.

فراهم آوردند. آنها که قشری گری را می گویند، بیشترین فضای پرواز را برای قشری ها فراهم آوردند... خلاصه آنکه، آنها که "میانه" را انتخاب کردند، عاقبت به سوی دشمن و آنها که صادق بودند، پس از دیدن ضررهای بسیار، به جنبه خلق روی آوردند. این تحریر از آن امروز نیست لازم هم نیست که هرکس آزهوده را بازماند. تعالی انسان ناشی از استفاده از تجارب بگذرگ است. و تجربه ثابت کرده است که بدون همبستگی، تکرار می کنیم همبستگی که ضد امپریالیستی نمی توان به جنگ امپریالیسم رفت و پیروز شد، آن هم در شرایط خاص جهان امروز که امپریالیسم جهانی سرکردگی امریکا برای عقب انداختن مرگ محتوم خود، همه متحدان، یاران و دست نشانگان خود

آنچه می گوئیم از کوره آزمایش سربند بیرون آمده است. نمونه های آن، دهها و دهها، اینجا و آنجا، فراوانند. کشور پر عظمت چین، تحت رهبری مائوئیست ها، آنجا در جاه "سرخپاها" فرو رفت که وقتی سربند کرد، دست صخره مائو را در دست نیکو سون و همبستگی امپریالیسم جهانی را با چین دید. و آنها که هنوز در آغاز این راهند، چون چین که باشم باور امروز امپریالیسم و سادات فردای آمریکانند. این را تاریخ ثابت کرده است. آنها در عرصه داخلی بنگرید که رهبران سازمان مجاهدین خلق "که دم از مبارزه ضد امپریالیستی می زدند، چگونه به دامان امپریالیسم افتادند." "مجاهدین" که خواستار آزادی بودند، بیشترین زمینه را برای سرکوب آزادی

محرومان بود. اما از لاسدگویی ظالمان، معصع ظالمان درخواست محرومان به هیروی منطق نیست، هیچ حسا و هیچگاه صدای رحمکنان جهان از یک سو غیر می اندازد و صدای دشمن خلق ها از سوی دیگر، باید جای خود را و هم صدای خود را بافت. از همین روست که می گوئیم یک انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی و یک کشور مستقل و حاکمیت استقلال طلبانه مردمی به هیچ شکل و تحت هیچ شرایطی نمی تواند در کنار جنبه جهانی امپریالیسم قرار گیرد. آنها که چنین کرده اند، آگاهانه یا ناآگاهانه سر از جنبه ضد خلق اردوگاه جهانی سرمایه در آوردند، حواه سوکروار و حواه کمی برتر. و این هداری است بر تمام نیروهای بر خواد که هنوز این راه را، اگر چه با حس نیت، می رود.

سند زمانی به سب مهم بودن اوضاع جهانی، قدرت هوایی امپریالیسم جهانی سرکردگی امریکا و در مقابل سوبانی اردوی جهانی سوبالیسم و سروهای آزادسختن علی. شخص دو جنبه محض انقلاب و صداقت. حد در عرصه داخلی وجه در عرصه خارجی برای برخی ها مشکل بود. اما آن دوران گذشته است. سر آری در سر خود در کار جبهه ها رسوده و واقعیت ها را مشخص کرده است دیگر شخص دو جنبه و آنها دو جنبه در عرصه جهانی کار دعواری است. البته رهایی از سداوری ها، ناآگاهی ها، شغبات سو و بگ نظری ها مشکل است اما ناممکن نیست. امروز با در کنار حلقه ها هم با مقابل آنها، راه مانی وجود ندارد. نمی توان هم با حلقه ها بود و هم با دشمن آنها. نمی شود صدای

با انحصار طلبی خود را بای بند به هیچگونه عرف و قانونی نداند که نتیجه آن تضعیف اعتماد توده ها به انقلاب خواهد بود، می توان از شکوفایی انقلاب سخن گفت؟ به گفته حجت الاسلام رفسنجانی "در چنین فضایی سنگ روی سنگ بند نمی شود و جامعه نمی تواند به راه خودش برود" از تمام واقعیات موجود تنها یک نتیجه می توان گرفت، اینکه باید با اجرای دقیق تاخیر ناپذیر قانون، اعتماد متکی به عدالت را در جامعه تقویت نمود. قانون شکنی و هر چه و هر چه سنگر دشمنان انقلاب است. با نابودی این سنگر با هر نام و نشان از انقلاب دفاع کنیم.

نیروهای مدافع خود محروم می سازد. انقلاب های ضد امپریالیستی و مردمی همواره این هدف را دنبال می کنند که با قطع سلطه امپریالیسم و ایادی آن آرایش و امنیت متکی به قانون و عدالت اجتماعی را برای توده های محروم و مستضعف جامعه ناسین نمایند تا آنها به مثابه صاحبان اصلی کشور به خاطر شکوفایی هر چه بیشتر آرمان های عدالت خواهانه خود تلاش نمایند و خود را از بلشتی های بازمانده از روزگار سلطه جنایت بار امپریالیسم برهانند. حال اگر پس از آن همه مبارزه و خون های عزیز که مردم به خاطر تامین استقلال آزادی و عدالت اجتماعی داده اند، گروه و یا جریانی

روزنامه داشته باشند، برای خودشان تبلیغات کنند... انقلاب تاکنون از رهگذر اعمال بی رویه و خلاق قانون عناصر و نیروهای تنگ نظر ضربات دردناکی متحمل گردیده است بر ستر چنین حرکتی جنبه صد انقلاب در داخل و خارج کشور کوشیده است از انقلاب مردمی ایران جبهه مخدوش و غیرواقعی جهت دست یافتن به مقاصد خائنه خود ترسیم نماید خود محوریتی و قشری گری که الزاما به قانون شکنی می انجامد بزرگترین آفتی است که انقلاب را از درون تهدید می کند. این گرایش قادر به حفظ اتحاد صفوف بهم فشرده مردم نیست و با دامن زدن به نفاق و چند دستی، انقلاب را از بیکرترین

قانون شکنی...

بقیه از صفحه ۹
حسیت، جان، مال حقوق و مسکن و نعل انحصار را مصون از تعرض و تنگن عقیبند را ممنوع اعلام کرده است. ما صم تاکید بر ضرورت وفاداری مسئولین جمهوری اسلامی ایران به قانون اساسی و تلاش جهت اجرای هر چه صحیح تر آن از این حیث حجت الاسلام موسوی تبریزی دادستان کل در مباحثه با سر به بام انقلاب استقلال می گوئیم که گفت:
"در باره گروه های غیرمخرب، ببینید یک وقت

مردم میهن ما تا قطع کامل

سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

در راهیمانی باشکوه روز جمعه :
توده های رزمنده میهنمان
خشم و نفرت خود را نثار امریکا کردند

مسیرهای هشتگانه راهیمایی تهران که همه رو به سوی دانشگاه تهران و مرکز جاسوسی آمریکا داشتند تصویرگر ستاره هشتپر و درخشانی از آگاهی مردم و رزم سترگ توده های میهن ما بود . در هر گوشه این ستاره هشتپر میلیون ها فریاد " مرگ بر امریکا " در پهنه نیلگون میهن انقلابی مان شکفت هزاران ستاره "ششپر" صهیونیسم به آتش کشیده می شد و میلیونها مشت گره کرده توطئه مانور " ستاره درخشان " امریکا را محکوم می کرد .



عکس از کیهان

حکایت از یک چیز داشت :
بیدار باشیم متحد شویم
دشمن اصلی امریکاست

شعارهای اصلی راهیمایی

شعارهای اصلی راهیمایی
بیانگر این آگاهی توده های
میهنمان بود :

" مرگ بر امریکاسا
مرگ بر اسرائیل
فلسطین اشغالسی آزاد
باید کرد
فهد فهد ، تسو
نوکر امریکاییسی و "

در این راهیمایی عظیم مردم انقلابی میهنمان با این شعارهای کوبنده نشان دادند که بخوبی رژیم ارتجاعی عربستان و فهد را می شناسند و آنان را دست نشانده و نوکر آمریکا می دانند . توده های انقلابی میهنمان نشان دادند که خود را در سرنوشت توده های محروم

همستگی بی شائبه با خلق قهرمان و رزمنده فلسطین ، همگی شوق انگیز و غرور آفرین بود . مسیرهای هشتگانه راهیمایی تهران که همه رو به سوی دانشگاه تهران و مرکز جاسوسی امریکا داشت تصویرگر ستاره هشت پر و درخشانی از آگاهی و رزم سترگ توده های میهنمان بود در هر گوشه این ستاره هشتپر میلیونها فریاد مرگ بر امریکا در پهنه نیلگون میهن انقلابی مان می شکفت هزاران ستاره ششپر صهیونیسم به آتش کشیده می شد و میلیونها مشت گره کرده " توطئه مانور ستاره درخشان " امریکا را با خشم محکوم می کرد . گرچه مسیرهای هشتگانه راهیمایی همگی ملو از جمعیت بود ولی صفوف راهیمایی در جنوب شهر تهران انبوه تر و فشرده تر بود . شعارها و پلاکاردها ، حرفها و زمزمهها در هر گوشه ای از این دریای متلاطم

جمعه ۲۹ آبان ۶۰ دریای عظیم خلق ، خروشی دیگر آغاز کرد . میلیونها زن و مرد ایرانی پرشار از پاک ترین کینه ها به امریالیسم جهانی و صهیونیسم در سرتاسر کشور در راهیمایی محکوم نمودن اهداف امریکایی طرح فهد و اعلام حمایت و همستگی با خلق قهرمان فلسطین شرکت کردند . در این راهیمایی که به دعوت آیت الله منتظری برگزار گردید بار دیگر چشوان همیشه توده های رزمنده میهنمان با شور و هیجانی بی نظیر ، خشم و نفرت خود را نثار امریالیسم جهانی بسرکردگی امریکای جهان خوار کردند . ترکیب جمعیت نشانگر شرکت وسیع توده های زحمتکش میهنمان در راهیمایی بود . نقش فعال و چشمگیر زنان ، شعارها و پلاکاردهای ضد امریکایی و ضد صهیونیستی ، همستگی مردم و صفوف فشرده ها ، شرکت پرسنل انقلابی و نیروهای مسلح ،

و این سازمان در بسیاری از کنفرانسها و اجلاسهای بین المللی و منطقه ای به عنوان تنها نماینده خلق فلسطین شرکت میکند . و این نیز واقعیتی است که تنها آمریکا و اسرائیل و دیگر نیروهای مرتجع در سطح جهان از شناسایی " ساف " به عنوان نماینده برحق خلق فلسطین خودداری کرده اند . آنچه که می تواند برای رژیم جمهوری اسلامی ایران به عنوان رزیمی مترقی و صدامیریالیست که به حمایت از جنبش های آزادیبخش منطقه برخاسته است آموزنده باشد این واقعیت است که در کلیه طرح های امریکاساخته و ارتجاع پرورده منجمله طرح " کمپ دیوید " و فهد " رسا و آشکارا از به رسمیت شناختن " ساف " به عنوان تنها نماینده خلق فلسطین خودداری شده است و سعی شده است تا این نقش " ساف " آشکارا و عنودانه نفی شود . رژیم جمهوری اسلامی ایران اگر بخواهد در کنار نیروهای مترقی جهان به مبارزه بسا اهداف امریالیستی و خائنه آمریکا و اسرائیل

برخیزد و اگر بخواهد وجه انقلابی و توان تبلیغاتی و رزمی خود را در خدمت وحدت و انسجام خلق قهرمان فلسطین قرار دهد و اگر نخواهد مستقیم و غیر مستقیم سیاست تفرقه جویانه ای را در مورد فلسطین باعث گسردد می بایستی به روشنی به حمایت از سازمان آزادیبخش فلسطین و به رسمیت شناختن آن همت گمارد . نمی بایستی فراموش کرد که آنچه " طرح فهد " را برای امریکا ضروری و مبرم ساخت و اکنون خلق ما به مبارزه با آن برخاسته است همانا شکست طرح کمپ دیوید در متحد کردن نیروهای مرتجع منطقه و ایجاد شکاف در نیروهای مترقی فلسطین بود . ایران به هیچ روی نمی بایستی در جهت این اهداف تفرقه افکنانه گام بردارد . شناسایی " ساف " از جانب ایران می تواند نقش مهمی در خنثی کردن اهداف امریکا و تقویت خلق فلسطین و نیروهای رهبری کننده آن داشته باشد .

منطقه به ویژه خلق قهرمان فلسطین شریک می دانند و قاطعانه از آرمان خلق فلسطین حمایت می کنند . مردم میهنمان نشان دادند که بخواهی اهداف تفرقه افکنانه طرح فهد را می شناسند و پا به پای خلق قهرمان فلسطین در افشاء و محکوم کردن آن می کوشند . راهیمایی تهران که تا مقابل جاسوسخانه آمریکا ادامه یافت با صدور قطعاتی پایانی یافت در بندهای هشتگانه قطعه نامه بر مبارزه بی وقفه با امریالیسم امریکا و صهیونیسم ، حق تعیین سرنوشت برای خلق قهرمان فلسطین ، همستگی دولت های مترقی منطقه برای افشاء توطئه های امریکا و اهداف امریکایی طرح فهد ، تاکید شد . در این راهیمایی که سراسر شور ضد امریکایی همستگی با خلق قهرمان فلسطین و ابراز از جوار نسبت به مرتجعین منطقه و صهیونیسم بود ، سازمان ما و حزب توده ایران نیز فعالانه شرکت داشتند .

* * * آنچه که لازم است به مناسبت برگزاری این راهیمایی بار دیگر مورد تاکید قرار دهیم . شیوه برخورد رژیم جمهوری اسلامی ایران با " سازمان آزادیبخش فلسطین " است اکنون این دیگر واقعیتی آشکارانیدر است که " ساف " تنها نماینده مردم فلسطین است و دقیقاً از این موضع مورد حمایت و پشتیبانی کلیه نیروهای مترقی جهان قرار دارد . مناسقاته تا بحال رژیم جمهوری اسلامی ایران موضع روشنی در قبال " ساف " اتخاذ نکرده است و در این راهیمایی نظیم که ماتند راهیمایی روز قفس در حمایت از خلق قهرمان فلسطین انجام گرفت چه در شعارهای راهیمایی و چه در قطعه نامه آن از " ساف " انجام نگرفت کافی است که این واقعیت تردیدناپذیر مورد توجه مسئولین جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد که تمامی کشورها و سازمان های مترقی منطقه و جهان سازمان آزادیبخش فلسطین را به عنوان تنها نماینده خلق فلسطین به رسمیت شناخته اند

در روزهای اخیر از طریق نشوونمایی شاهد اجرای برنامه‌های ویژه‌ای در زندان‌های جمهوری اسلامی بوده‌ایم. نقش اصلی در این برنامه‌ها را خود زندانیان بازگشته به آغوش انقلاب ایفا کردند که عنوان نمونه می‌توان از مراسم ویژه‌ای که به مناسبت "عاشورا" در زندان، اولین برگزار شد و همچنین برنامه دیگری در همین زندان با مشارکت زندانیان و خانواده شهدای حوادث اخیر (از جمله خانواده شهدای دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی و حضور بربری) صورت گرفت. نام بردن نظم و اجرای حتی برنامه‌هایی قبل از هر خبر ناسازگار است که پس از حاکم بودن حد ماه حوضار، تلاش برای ایجاد فضای سالم و فراهم‌آوردن روابط سازنده و ارادتی حواله می‌رود و سیاست ارشاد و تبلیغ سب از پیش جای خود را در زمان زندانیان و حوالان فریب‌خورده باز می‌کند.

رحم‌جوی خائن و همپایان‌های هاشمی‌سار کوشیده‌اند و هنوز هم می‌کوشند که با تحریک رادیکال و تلویزیون و روزنامه‌های صدام‌پرورانه راه را بر نفوذ هر سخن انقلابی و هر کلام افشاگرانه بر هواداران و اعضای کم‌کرده راه محاهدین ببندند و جوانان کم‌کرده راه را از واقعیت انقلاب و جامعه بدور نگاه دارند. برای آنان فقط از قتل و اعدام و شکنجه و صغیر گلوله‌ها سخن می‌گویند و از این طریق کینه و شور و احساسات آنان را علیه جمهوری اسلامی و خط مردمی امام و پشتیبانان صدیق آن به غلبان آورده و در راه مطامع خیانتکارانه خود هدایت کنند. به همین دلیل هنگامی که شرایط فراهم آید، تا هواداران آنی که از راه انقلاب دور افتاده بودند، فرصت آن را بیابند که بطور وسیع با مردم و نیروهای واقعیین و صدیق خط امام صحبت کنند و پیام‌شان را که صمیمیت‌آنان را به سوی انقلاب و به آغوش خلق فراموشی خوانند، شنوند تا ضریح‌های بسیار مثبتی در تصحیح راه و روش اینگونه جوانان بازی‌خورده بر جای خواهد نهاد و رجوی و امثال او را چنان مات خواهد کرد که راهی تمهیدی نتوانند پزواک

اینگونه پیام‌ها را میان هواداران فریب‌خورده خود خفه سازند. سخن حق به ویژه زمانی که از دهان "همرزم سابق بیرون آید" از هر مانع و پادعی خواهد گذشت بر تحریم‌ها غلبه خواهد کرد و بر قلب جوانان صادق و ساده خواهد نشست. امکان "دوباره اندیشیدن" بی‌ارمون جنایات رجوی‌ها را فراهم ساخته و بر آتش شک و تردید و دودلی‌ها خواهد دمید

باشند، تنها از راه‌ارشاد و اقتناع جای خود را به افکار و اعتقادات درست می‌دهند" (از اعلامیه مشترک حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت) آبان ۵۹

امروز، حوانه‌های مثبت گرایش به درپستی گرفتن سیاست ارشاد به جای برخورد‌های خشن انتقام‌جویانه و اعدام‌های

در کنار قاطعیت هدایت می‌کنیم" (جمهوری اسلامی ۲۵ آبان)

نمونه‌های جدیدی از گرایش به این سیاست جدید اصولی، واقع‌بینانه و امیدبخش در سخنان اخیر آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در مراسم نماز جمعه این هفته انعکاس یافت:

"سیاست کشور ما این

جوانه‌های امید!

فراهم آوردن چنین شرایطی قبل از همه بر عهده مقامات و مسئولین طراز اول جمهوری اسلامی است. تنها یک بررسی کوتاه ولی صادقانه و خالی از سبندآوری از آنچه که در ۵ ماه گذشته بر میهن ما رفته است به آسانی و روشنی معلوم می‌کند که سهرسب سیوه و موثرترین روش برای مقابله با تروریسم و خشکاندن ریشه‌های ایس "تحفه" دهشتناک امیرالسلیم، آن است که اصل، بر ارشاد قرار گیرد ایجاد فضای سالم، سازنده و آگاه‌گرانه برای جوانان فریب‌خورده همراه با سرکوب قاطع عناصر فاسد و اصلاح‌نشدنی که به مبارزه مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ایران برخاسته و همچنین بر درستی و ادامه آن پافشاری می‌کنند، یگانه سیاستی است که جمهوری اسلامی با توسل به آن قادر خواهد بود به سود انقلاب را از این دام امیرالسلیمی نیز با موفقیت برهاند. این تنها راه است و از سوی نیروهای انقلابی نیز بارها و بارها بر ضرورت پیگیری همه‌جانبه آن تأکید و پافشاری شده و نسبت به خطرات بی‌اعتنایی به آن هشدار داده شده است:

کور و زبان‌آور در حاکمیت جمهوری اسلامی آشکارا به جسم می‌خورد و هر روز بیش از پیش نشانه‌های جدیدی در زمینه فاصله‌گرفتن از سیاست ۵ ماهه گذشته در سخنان، مواضع و عملکردهای مسئولین تبلور می‌یابد. قبل از همه باید به رهنمودهای واقع‌بینانه امام خمینی نسبت به مسئولان مملکتی در زمینه لزوم وفاداری به قانون و مقابله با برخورد‌های بی‌رویه استناد جست. امام خمینی در دیدار اخیرشان با رئیس دیوان عالی کشور و اعضای شورای عالی قضایی محدد و با صراحت باره بستری خطاب بدانان هشدار دادند:

نیست که با بی‌قانونی و شعار با مردم برخورد کند مردم باید مطمئن باشند که با قانون با آنها رفتار می‌شود. بدون قانون جامعه نمی‌تواند به راه خودش برود. این توصیه را بپذیرید که در فرموده امام می‌ایستیم و سال آینده محکم‌تر از امسال، سال قانون خواهد بود" (اطلاعات ۳۰ آبان)

مسئولین قضایی کشور نیز در این زمینه سخن‌ها گفته‌اند آقای ربانی الملی دادستان کل کشور در مصاحبه با خبرنگار روزنامه اطلاعات تأکید کرد:

"... یقین بدانید که ما برای زندانیان سیاسی اگر رفاه بیشتری قائل نشویم قطعا برای آنها از دیگران رفاه کمتری در نظر نخواهیم گرفت"

ایشان در بخش دیگری از همین مصاحبه تأکید کرد:

"من شخصا بدانم اگر خدای ناگردد نسبت به یک فردی که آن فرد انسانیت به خرج داده خلافتی انجام گیرد مسئله را تعقیب خواهیم کرد و حتی اگر کسی مرتکب این عمل شده باشد، هرکس که باشد من او را تعقیب خواهم کرد" (اطلاعات ۲۱ آبان)

نظیر این سخنان را در صحبت‌های اخیر دیگر مقامات بلندپایه قضایی کشور نیز شنیده‌ایم. آقای

"تاریخ جامعه بشری از بردگی تا امروز نشان داده است که نه با ترور و کشتار و نه با اعدام و زندان، هر اندازه هم بردانسته باشد نمی‌توان اعتقاداتی را که در مغزها جای گرفته‌اند، نابود کرد افکاری که در مغزها جای گرفته‌اند اگر نادرست

"مقررات اسلام و قانون کامل رعایت شود و از تجاوزات به هر صورت و از سوی هرکس که باشد جلوگیری به عمل آید" (جمهوری اسلامی اول آذر)

این سخنان به‌ویژه و از آنجا که در دیدار با جمعی از مهمترین مسئولین قضایی کشور بیان شده است اهمیت بیشتری می‌یابد و عمل به آن راهگشا است.

حجت‌الاسلام خامنه‌ای رئیس جمهور نیز در سخنان خود مکررا بر ضرورت درپیش گرفتن سیاست ارشاد و راهنمایی تکیه کرده و از جمله در پیام آبان‌ماه تأکید کردند:

"باید با کسی که تحریک شده با مهربانی رفتار شود و خشونت به‌خرج ندهیم مایلم او را متوجه کنیم که اشتباه می‌کند. بنابراین

موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور در نماز جمعه هفته پیش (۲۲ آبان) ضمن تأکید بر ادامه قاطعیت در مقابله با تروریسم از لزوم ارشاد جوانان فریب‌خورده سخن گفت. آقای موسوی تبریزی دادستان کل انقلاب در همین زمینه طی مصاحبه مطبوعاتی یکشنبه ۲۴ آبان و همچنین مصاحبه با خبرنگاری پارس در قم (۳۰ آبان) بر لزوم تأمین رفاه زندانیان، ترتیب‌دادن برنامه‌های آموزشی تسریع در محاکمات از سرگرفتن ملاقات‌ها و بطور کلی اهمیت برخورد‌های سازنده و ارشادی نسبت به زندانیان تأکید کرد علاوه بر اعلام رسمی و پایبندی عملی به این سیاست بازتاب حدی آن در روش مسئولین زندان‌ها از طریق ایجاد فضای مناسب تفاهم‌آمیز و سازنده در زندان‌ها فراهم آوردن امکانات و شرایط مناسب برای زندانیان، برخورد‌های شایسته و اصولی با خانواده‌های آنان و ... نقش بسیار مهمی در جذب مجدد جوانان به سوی انقلاب و مردم دارد.

بازهم باید تأکید کرد که درپیش‌گرفتن چنین سیاستی برای انقلاب ایران اهمیت اصولی دارد و هر روز تأخیر و کندگی در با اجرا درآوردن این سیاست و هر اعدام ناجا ضربه‌ای است که مستقما بر پیکر انقلاب وارد می‌شود و رجوی‌ها هستند که عوام‌فریبانه از آن بهره‌گیری کرده و می‌کوشند تروریسم را مشروعیت بخشند. با اتخاذ سیاست پیگیرانه ارشادی باید راه را بر این عوام‌فریبی‌ها بست ما امیدواریم که این سیاست از سوی مسئولین جمهوری اسلامی با پیگیری دنبال شود، وعده‌ها به عمل درآید هر چه زودتر فضای صلح، دوستی و تفاهم به‌جای برخورد‌های خشن و زیان‌بار ماههای اخیر بر فضای جامعه ما سایه گستراند و دور نباشد روزی که درهای زندان‌ها به روی جوانانی که پس از یک دوره غفلت و در غلظت به دام سیاست‌های ضدانقلابی، محدد به راه انقلاب و مردم بازگشته‌اند، بازگردد و نیروی خلاق آنان در جهت دفاع از انقلاب و مبارزه علیه آمریکای حینتکار و تروریست‌های "اقتصادی" به کار افتد.

تلاش مذبوحانه گروهکهای ضدانقلابی در اطراف آمل

باند‌های مسلح ضدانقلابی در مازندران تاکنون چندین بار از جمله در ۲۴ آبان ماه راهزنانه مبادرت به بستن جاده آمل - تهران کرده‌اند و تاکنون تعدادی از مردم را به گروگان گرفته و چندین نفر از پاسداران را به شهادت رسانده‌اند در این درگیری‌ها مردم با آتش‌زدن اعلامیه‌های ضدانقلابیون خشم و نفرت خود را از این دستجات ضدانقلابی اظهار می‌داشتند.

خیانت رهبران گروهک‌ها باز خواهد کرد و داغ ننگ تازه‌ای بر پیشانی این رهبران خواهد نشاند. این تلاش مایوسانه و توطئه‌گرانه تازه هم، مانند دیگر تلاش‌های تروریستی خائضانه بزودی در غرقاب شکست و رسوایی بزرگتر غرق خواهد شد.

دامنه عملیات این گروهک‌ها را وسیع جلوه دهد، حربه‌ای که به‌ویژه باند رجوسی - خیابانی با توسل به آن هواداران و اعضای خود را می‌فریبند، تا آنها را خام کسب کرده و در بی‌خبری نگهدارند. شکست محتوم این آخرین تلاش‌ها، چشمان راه گم کردگان بیشتری را نسبت به

به سود محرومان مخالفند تقویت نمایند. درگیر کردن جمهوری اسلامی در این یا آن نقطه کشور، دامن‌زدن به بی‌نهایتی، تشدید نسل‌آزایی‌های سیاسی و دامن‌زدن به جو ارباب و ناامنی و بی‌اعتمادی و کاشت تخم کینه و نفاق از آن دست که سیا با کمک باند خیانتکار "رجوسی - خیابانی" در میان مردم و خانواده‌ها کاشته است همه در خدمت این هدف شوم و پلید امریکای جنایتکار است.

باند‌های مسلح ضدانقلابی در مازندران تاکنون چندین بار از جمله در ۲۴ آبان ماه راهزنانه مبادرت به بستن جاده آمل - تهران کرده‌اند و تاکنون تعدادی از مردم را به گروگان گرفته و چندین نفر از پاسداران انقلاب را به شهادت رسانده‌اند در این درگیری‌ها مردم با آتش‌زدن اعلامیه‌های ضدانقلابیون خشم و نفرت خود را از این دستجات ضدانقلابی اظهار می‌داشتند. شکست مفتضحانه اخیر گروهک‌های چپ‌رو، طرد قاطعانه آنان از سوی مردم شهرها که به فرار رسوای بی‌صدر و رجوسی انجامید اکنون رهبران خائن گروهک‌ها و مدافعان بی‌صدر را به فکر انداخته است که به درختان و باتلاق‌های جنگل پناه برند. تلاش ورشکسته و مذبوحانه‌ای که در چند مورد بنحو خنده‌آوری در یکی دو نقطه حاشیه جنگلی جاده تهران - آمل از جانب مائوئیست‌ها و گروهک‌های چپ‌رو صورت گرفت، بالاترین نشان ورشکستگی محتوم این گروهک‌ها و جز آخرین تلاش‌هایی است که مذبوحانه از جانب آنان صورت می‌گیرد هرچند که ضدانقلابی‌گراد می‌کوشد با توسل به شایعه

بی‌برده و کمک مستقیم و غیر مستقیم امریکا به رهبران گروهک‌های چپ‌رو و چپ‌نما از جمله به بنی‌صدر و رجوسی ماسالی و کنکولی از اول انقلاب تا کنون نشان امریکایی بودن تلاش مذبوحانه‌ای است که اکنون در اطراف آمل زیر عنوان "قیام سربداران" به عمل می‌آید.

هدف تمامی این توطئه‌ها شکست انقلاب ایران و بعرو کسار آوردن دولت دست‌نشانده امپریالسم آمریکا به منظور پاسداری از منافع غارتگرانه امپریالیسم جهانی در میهنان و در منطقه است. هدف مقدم تری که ضدانقلابیون در ایجاد آشوب و بلوا در سراسر کشور تعقیب می‌کنند جلوگیری از استقرار قانون در جمهوری اسلامی ایران و مانع‌تراشی بر سر راه سمت‌گیری مردمی انقلاب و جمهوری اسلامی در شرایط کنونی است. آمریکا و اذنان آن در عین حال با کمک خودفروختگانی مانند بنی‌صدر و رهبران خائنی چون قاسملو و رجوسی‌ها و باهمدستی مائوئیست‌ها و جاسوسان امریکایی‌پرورده "سه جبهه‌ای" تلاش می‌کند تا مانع اقدامات بنادین اقتصادی شود که امسام خمینی رهبر انقلاب و اکثر مسئولین جمهوری اسلامی اعلام کرده‌اند که مصمم‌اند در جهت منافع زحمتکشان کشور به انجام رسانند. امپریالیسم سرکردگی آمریکا و ضدانقلاب متحد آن اکنون با سمت‌گیری مردمی جمهوری اسلامی ایران به هراس مرگ افتاده‌اند. آنها تمام تلاش خود را به عمل می‌آورند تا در ایمن سمت‌گیری اختلال بوجود آورند و نیروهایی را که در درون و در کنار جمهوری اسلامی با اقدامات بنیادین

به دنبال شکست مفصلانه ساخت خائضانه باند رجوسی برای کسرش درگیری‌های مسلحانه خیابانی، حربه متحد ضدانقلاب سرکردگی امریکای جنایتکار تلاش‌های مذبوحانه تازه‌ای در جنگل‌های شمال کشور تدارک می‌بیند. شواهد و قرائین موجود حاکی از آن است که این تلاش مذبوحانه در جهت احزای سیاست‌های براندازی شورای به اصطلاح مقاومت ملی از همکاری و همدستی فعال همه نیروهای ضدانقلابی از سلطنت‌طلبان تا باند خیانتکار و ضدانقلابی رجوسی - خیابانی برخوردار است. گویا احزای نقشه تازه‌ای که شکست مفتضحانه آن هم اکنون آشکار است به عهده جاسوسان سه‌جبهه‌ای و سایر مائوئیست‌های همدست آمریکا نهاده شده است.

تاکتیک ایجاد کانون‌های شورشی و اقدام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ایران تاکنونی است که توسط کارشناسان، از پیش طراحی شده و توسط انقلابیون ایران افشا گردیده است. اسناد انتشار یافته توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام حاکی از آن است که امریکای جنایتکار برای احزای این تاکتیک هم به کلان سرمایه‌داران و بزرگان مالکان و لیسرالها مکی است و هم به رهبران خیانتکار گروهک‌های چپ‌رو و هم به ساواکی‌ها و سلطنت‌طلبان و هم به مائوئیست‌های وطنی که مردوران بی‌حیره و مواجب امریکا هستند انکاء دارد.

ایجاد کانون‌های شورشی در غرب و جنوب، تسلیح جوانان و فنون‌الهیای فارس و بلوچستان، تشکیل دستجات راهزنی و باند‌های مسلح و برورس از ساواکی‌ها، سلطنت‌طلبان و جاسوسان امریکا و سیاسی‌تلمعاتی

وزیر صنایع و معادن:

بقیه از صفحه ۷

«مدیران کارخانجات...»

کارگران میهن ما دارند. و اما در ادای این تعهد و ابعاد آن (در رابطه با اطلاعیه وزیر صنایع) دو نکته زیر قابل تصریح و تاکید است: ۱ - اشاره به تعهد مدیران در قبال کارگران درست است، اما دقیق نیست. معای آن باید تصریح کرد. تعهد مدیران در قبال شکل کارگری (شورای کارخانه) ۲ - باید توجه داشت که نظارت شکل‌های کارگری در امر اداره تولید، مفهومی گسترده دارد و به اینکه این شکل‌ها در جریان گزارش‌های منظم ماهانه مدیران قرار گیرند نیز محدود نمی‌شود. این نظارت می‌تواند و باید شامل اشکال موزنتری از قبیل شرکت نمایندگان شورا در جلسات تبادل نظر مدیران بطور مستمر و اعلام نظر مشورتی در تصمیم‌گیری‌ها و نیز گردد. اما قطع نظر از این‌ها تصریحات ضرور، باید بر توجه مسئولان وزیر صنایع و معادن در قبال مصالح انقلاب و درک ضرورت تقویت مبارزه‌ای که برای تأمین اسلامی و نمایندگانش در واحدها (مدیران) در قبال

برای تأمین حوائج اولیه اقتصادی کارگران قاطع و بیکرند، بلکه در همه عرصه‌های احتمالی ممکن (برای مبارزه یک سندیکای انقلابی) مبارزه سیاسی و اجتماعی همه‌جانبه‌ای را (چه در مبارزه علیه امپریالیسم و لیسرالها و چه در نظارت بر اداره تولید و...) به بین می‌برند. در این میان، نظارت شوراهای کارگری در اداره تولید، همواره به عنوان یک وظیفه انقلابی کارگری - سندیکایی طی سه ساله اخیر عینیت یافته و چه در قانون اساسی، چه در موضع‌گیری‌های مسئولین جمهوری اسلامی ایران، نیز تعهدات انقلابی مطالبی را در قبال زحمتکشان برانگیخته است آنچه که آقای هاشمی به مدیران واحدهای تولیدی و صنعتی هشدار داده‌اند ضمن آنکه نشانه توجه مسئولان بسیاری از مقامات دولت جمهوری اسلامی به سهم کارگران در شناختن مشکلات موجود و نقش اساسی‌شان در مبارزه برای تسریع حل این مشکلات است در عین حال بیانگر تعهدی است که دولت جمهوری اسلامی و نمایندگانش در واحدها (مدیران) در قبال

انقلاب ایران و افغانستان

بقیه از صفحه ۱۶

اهمیت بسیاری برخوردارند. خلقهای محووم قدرت را در دست گرفتند و رژیم‌های مترقی به حاکمیت برسند. از این‌روی این انقلابات به بهانه‌های گوناگون و به‌صورت مختلف مورد تهدید قرار گرفتند. ترفندهای امپریالیسم هرچند ماهیت یکسانی دارند، لیکن بسته به شرایط ویژه هر کشور شکل خاصی پیدا می‌کنند. توطئه‌هایی که برای سرنگونی رژیم‌های مترقی ایران و افغانستان صورت پذیرفته نیز بی‌شک فقط در ظاهر با یکدیگر تفاوت دارند، لیکن ماهیت آنها یکسان می‌باشد.

اگر انقلاب ایران با توطئه‌هایی نظیر کودتا، تجاوز نظامی ناموفق طبعی تاکیک دولت لبرال و میان‌رو، خرابکاری، تسلیح خوانین و بزرگ‌مالکان و غیره مواجه بوده است. انقلاب افغانستان نیز با توطئه‌هایی از این دست مواجه بوده است.

نگاهی کوتاه به آنچه در افغانستان می‌گذرد، بخوبی آشکار می‌سازد که چگونه پس از انقلاب ثور ۱۹۷۸ امپریالیسم اقدام به برپایی باندهای سیاست‌ساخته فراوان برای سرنگونی رژیم مترقی حاکم بر این کشور نمود. است این باندها به خاطر شرایط ویژه افغانستان و همسایگانش تماماً نقاب "اسلام" و "مذهب" را بر چهره زده‌اند. اما شاید امروز دیگر نیازی به تکرار نباشد که در پشت این نقاب‌ها عوامل مستقیم و غیرمستقیم امپریالیسم پنهان گشته‌اند که رسالتی جز ویرانی پل‌ها و جاده‌ها، آتشزدن مدارس خراب کردن بیمارستان‌ها و کشتار مردمی که به انقلاب وفادارند و در یک کلام خدمت به امپریالیسم برای خود قائل نیستند.

برای شناخت باندهای سیاست‌ساخته افغانی کافی است فقط شماره‌های متعدد روزنامه‌های کیهان و اطلاعات را دیگر بار مرور کنیم تا دریابیم که حتی به اعتراف رسانه‌های گروهی جمهوری اسلامی ایران این باندها تحت نظر عوامل آمریکا، چین و کشورهای مترجمی

مانند مصر و پاکستان به "فعلیت‌های انقلابی" در افغانستان مشغولند. چندی پیش ریگان آشکارا اعلام نمود که به "مجاهدین افغانی" کمک نظامی خواهد داد و البته بسیاری از این "رهبران افغانی" بیش از هلاکت سادات معدوم افتخار شرفیابی به حضور او را نیز یافته‌اند (جمهوری اسلامی ۹ تیر ۵۹) و ملاقات‌های بی‌در پی و مشورت بسا ضیاءالحق و اردوزدن در پاکستان که امری معمول است. واقعیت این است که از دیرباز پیوندهای استواری میان خلقهای ایران و افغانستان وجود داشته است و وقوع انقلاب در ایران دو کشور و همزمانی آن مسلماً باید این پیوندها را تشدید می‌نمود. امروزه میان انقلاب ایران و افغانستان چه باور داشته باشیم و چه نداشته باشیم پیوندهای منطقی موجود است. در هر دو کشور رژیم‌های مترقی حاکم هستند و هر دو کشور مواضع امپریالیسم را زیر ضرب گرفته‌اند. هر دو کشور با توطئه‌های عدیده‌ای که از جانب امپریالیسم بر آنان تحمیل شده است، مواجه‌اند. واضح است که خلق‌ها و رژیم‌های دو کشور که با امپریالیسم در ستیزانند دارای اشتراک عمل و نظر بوده و این اصلی است که نه تنها خلق ما را به خلق افغانستان که به تمامی خلقهای جهان پیوند می‌دهد از این‌روی ایجاد اختلاف و شکاف میان کشورهای مترقی و انقلابی و منصرف کردن اذهان آنها از مبارزه با امپریالیسم جهانی به سمت خطرات واهی نظیر "اصطلاح" "خطر شوروی" امری طبیعی است. پس از انقلاب کشور افغانستان و پس از آنکه اتحاد شوروی در چارچوب معاهده دوستی و همکاری و همکاری اتحاد شوروی و افغانستان منعقد در ۱۹۷۸ در دسامبر سال ۱۹۷۹ بنا به درخواست‌های مکرر دولت این کشور منتهی بر اعزام عده محدودی از واحدهای نظامی خود به این کشور (که آماج مداخلات خارجی نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی قرار گرفته بود) موافقت کرد، امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا تمامی سعی و کوشش خود را بکار برد که از این حربه بخصوص در رابطه با پیوندهایی که میان ایران و

افغانستان وجود داشت و دارد استفاده نماید. متأسفانه علیرغم آنکه تمامی رژیم‌های انقلابی و مترقی حاکمیت افغانستان را به رسمیت می‌شناسد و علیرغم آنکه حتی رسانه‌های گروهی جمهوری اسلامی نیز بر ماهیت آمریکایی باندهای ضدانقلابی افغانی صحه گذارده‌اند، هنوز نیز این تفرقه امپریالیسم کارآیی دارد و جمهوری اسلامی بر پشتیبانی از باندهای ننگینا هرگز اهل مبارزه علیه امپریالیسم نبوده و نیستند، بلکه خود عامل امپریالیسم‌اند اصرار می‌ورزد.

جمهوری اسلامی ایران یکی از دلایل خود را در توجیه سیاست خود در قبال انقلاب افغانستان، حضور نیروهای اتحاد شوروی در این کشور اعلام کرده است. ولی آیا این مسأله می‌تواند دلیل موجهی بر حمایت از

گروه‌هایی که سرگرم مبارزه با دولت انقلابی افغانستان می‌باشد، باشد و آیا می‌تواند توجیه‌گر اقدامات دیگری از قبیل دادن اسلحه‌ها، یخس برنامه‌های رادیویی به این گروه‌ها باشد؟ آیا نباید صدای جمهوری اسلامی ایران صدای آزادی و صلح و عدای پیکار با امپریالیسم باشد؟ برنامه‌رادیویی که در اختیار این نیروها قرار گرفته علیه چه کسی تبلیغ می‌کند جز علیه کسانی که با امپریالیسم پیکار می‌کنند؟

رسانه‌های گروه‌هایی امپریالیسم جهانی با بوق و کرنای گوشخراشی از تجاوز شوروی به افغانستان سخن می‌گویند. نیروهای ناآگاه نیز گاه و بیگاه تحت تاثیر این تبلیغات قرار می‌گیرند و آن را بازگو می‌نمایند. اما سئوالی که اینجا پیش می‌آید، این است که چگونه است که در این تبلیغات هیچگاه از مداخله امپریالیسم آمریکا، پاکستان، مصر و چین در افغانستان سخنی در میان نیست؟ چگونه است که حضور مستشاران نظامی چینی و آمریکایی در اردوگاه‌های پاکستان و تعلیمات نظامی به "مجاهدین افغانی" مداخله نیست، و چگونه است که ارسال اسلحه‌های چینی و آمریکایی به خاک افغانستان مداخله در امور افغانستان نمی‌باشد؟ و باز هم چگونه است که حمایت از گروه‌هایی که سرگرم مبارزه با

یک رژیم انقلابی می‌باشند مداخله در امور آن کشور نمی‌باشد؟

در پیرو همین مداخلات در امور داخلی افغانستان بوده است که دولت این کشور تقاضای کمک از اتحاد شوروی نموده و افغانستان اعلام کرده است به محض اعلام پذیرش عدم مداخله در افغانستان توسط نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی نیروهای شوروی خاک این کشور را ترک خواهند نمود.

اما همانگونه که تضعیف انقلاب ایران و شکست این انقلاب جز برای امپریالیسم برای هیچ نیروی دیگری سودی دربر نخواهد داشت تضعیف انقلاب افغانستان و عدم پشتیبانی از حاکمیت افغانستان نیز جز امپریالیسم هیچ فرد دیگری را خوشنود نخواهد ساخت. سرنگونی حکومت مترقی افغانستان و روی کار آمدن باندهای

وزارت بازرگانی باید...

وزیر بازرگانی آن نیست. واردات و صادرات هر دو باید بطور کامل دولتی شود اما نحوه دولتی شدن و مهلت معقول آن امری است که مجلس شورای اسلامی به آن رای نهایی خواهد داد.

به این ترتیب روشن است که تأکیدات و سیاست آقای عسکروالادی بر اصل ۴۴ قانون اساسی منطبق نیست. ما بر این اعتقادیم که اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بازرگانی خارجی را بطور کامل در اختیار دولت قرار داده است و دولت را از واگذاری این حق انحصاری به سرمایه‌داران و نهادهای غیردولتی منع کرده است. به اعتقاد ما اصل ۴۴ در راستای توسعه بخش دولتی و تعاونی و متوجه محدود کردن بخش خصوصی به فعالیت‌ها و ایجاد قائل کنترل است. ما بر این نظریه که ملی کردن بازرگانی خارجی اقدام عمیق و همه جانبه‌ای است که باید دولتی کردن کامل واردات و صادرات و دگرگون کردن بازرگانی خارجی کشور در راستای استقلال اقتصادی را هدف قرار دهد. به این منظور باید تجارت خارجی کنونی کشور از تکیه گسترده بر روابط با انحصار امپریالیستی بیرون آمده و در جهت تحکیم و تقویت

سیاستی که البته امری غیرممکن است، علاوه بر آنکه دیگر بار خلق برادر افغانستان را در جنگال‌های خونین امپریالیسم فرو خواهد برد، انقلاب ایران را نیز در معرض مخاطره و تهدید قرار خواهد داد. بدین خاطر همانگونه که وظیفه تمام حکومت‌ها و نیروهای انقلابی و مترقی منطقه و جهان است که از انقلابات جهان حمایت نمایند و از حمایت و پشتیبانی حکومت‌های ملی و مترقی دریغ نورزند بر عهده جمهوری اسلامی است که از انقلاب افغانستان حمایت کند و با تجدیدنظر در سیاست خود در قبال افغانستان خود را با تمامی کشورهای انقلابی و مترقی با تمامی دولت‌های دوست استقلال و انقلاب ایران همگام سازد.

بقیه از صفحه ۴

روابط اقتصادی با کشورهای ترفیخواه، دوست و حامی انقلاب و استقلال ایران سوق داده شود. در زمینه بازرگانی داخلی تأکید باید بر جایگزین کردن نظام عمده‌فروشی کنونی توسط مراکز توزیع عمده دولتی و شبکه تعاونی‌های متشکل از تولیدکنندگان و کسبه خرده‌پا قرار گیرد. بر این اساس روشن است که آنچه را که بخش دولتی راساً تولید یا وارد می‌کند (نظیر آهن) خود نیز توزیع عمده خواهد کرد. و کوشدن دست‌تجار بزرگ در این میان در واقع گشودن باب احتکار و ایجاد کمیود گرانی است. ما بر بنیاد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، و به‌ویژه اصل ۴۴ آن همواره بر این مواضع تأکید ورزیده‌ایم. به اعتقاد ما وزیر بازرگانی جمهوری اسلامی ایران باید بایستی دور از استعاره و ابهام درباره همه این جزئیات با صراحت کافی اظهار نظر کند تا مسأله‌ای که در این زمینه‌ها برای مردم مطرح است، پاسخ گفته شود. وزیر بازرگانی امروز باید بنحوی واقعی، به دور از ظواهرسازی و طفره‌رفتن‌ها، خود را پای‌بند اصل ۴۴ قانون اساسی و تأیید امام در این زمینه نشان دهد.

آقایان! بهانه کافی است دانشگاهها را باز کنید!

از بیانییه مشترک حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

معیارهای سنجش دوستان و دشمنان انقلاب

موفق ترین معیار سنجش در این زمینه همان وفاداری به آماج‌هایی است که توده‌های میلیونی زحمتکشان، میهن‌دوستان و مبارزان راه استقلال و آزادی واقعی برای دست یافتن به آنها، علیه جبهه متحد ضدانقلاب داخلی و امپریالیست‌های حامی‌اش به نبرد برخاستند و با جانپازی و ایثار کم نظیر انقلاب را به پیروزی رساندند. آماج‌های این انقلاب که در جمهوری اسلامی ایران و در قانون اساسی متبلور گردید عبارت بود از:

— پایان بخشیدن به تسلط حابرانه و غارتگرانه امپریالیست‌ها و تامین همه‌جانبه استقلال ملی.

— سرنگون ساختن کاخ استبدادی و بیدادگری و تامین آزادی‌های فردی و اجتماعی برای توده‌های محروم از آزادی

— لجام‌زدن به غارتگری بی‌بند و بار چاولگران اجتماعی و تامین عدالت اجتماعی به سود توده‌های محروم و غارت شده

اگر ما این معیار را که امام خمینی همواره و بدون کوچکترین تغییر، مورد تاکید قرار داده‌اند، چه در مورد مناسبات کشورمان با دیگر کشورها و نیروهای اجتماعی سراسر جهان، درست به کاربریم، بی‌تردید خود را از بسیاری از اشتباهات و شاید از عمده‌ترین بخش‌آن، نجات خواهیم داد.

بزرگترین مسئولیت تاریخی آن بخش از نیروهای انقلابی که خود را پیرو خط امام خمینی می‌دانند شناخت درست و کاربرد عقلایی همین معیارهاست.

این شرایط دشوار، جامعه انقلابی ما بیش از هر زمانی بدان نیاز دارد، به هدر رفتن اکنون که نزدیک به ۱۸ ماه از تعطیلی دانشگاه‌ها می‌گذرد، کمتر کسی است که به نتایج زیان‌بار و مخرب این عمل‌آگاه شده باشد. درست در شرایطی که جامعه انقلابی ما برای سازندگی و آبادانی نیل‌آز انگار ناپذیری به نیروهای متخصص و کاردان متعهد به انقلاب دارد، جمهوری اسلامی با تعطیل سنجیده دانشگاه‌ها و پافشاری سنجیده‌تر بر روی آماج‌ها تعطیلی آن، جامعه و انقلاب ما را از مهمترین منبع تامین کارشناسان، متخصصین و کادری علمی و فنی محروم ساخته است.

علاوه بر آن، بر اثر این اقدام نزدیک به دو بیست هزار جوان دانشجو که در دانشگاه‌ها مشغول تحصیل بودند، بیکار و سرگردان شده و هیچ دورنمای روشنی برای زندگی خود ندارند. هر ساله دهها هزار دانش‌آموز که دوره دبیرستانی را به پایان می‌رسانند بر این عده افزوده می‌شوند و جمهوری اسلامی بجز در مورد بخش بسیار اندکی، هیچگونه تعهد و مسئولیتی را در قبال آنان به عهده نگرفته است. در طول این مدت نارضایی این خیل عظیم از وضع موجود بستر ساسی بوده است برای سوء استفاده ضدانقلاب و دامن‌زدن به انواع گرایش‌های انحرافی سیاسی و اخلاقی.

دلایل سست‌پایه‌ای که نزدیک به دو سال پیش برای تعطیلی دانشگاه‌ها عنوان می‌شد، امروز دیگر به هیچ‌رو نمی‌تواند قابل قبول باشد. دانشگاه‌های ما به این بهانه که

دانشجویان ما را "غرب‌زده" بار می‌آورند، تعطیل شدند در حالی که تعطیل دانشگاه‌ها به تعداد دانشجویان مقیم خارج افزوده‌است. اکنون بیش از صد هزار دانشجوی ایرانی مرفه و نیمه‌مرفه در کشورهای سرمایه‌داری غرب به تحصیل مشغولند اما صدها هزار جوان دانشجو در داخل کشور که عمدتاً از طبقات متوسط و محروم هستند، ۳ سال است که از تحصیل دانشگاهی محرومند. چگونه می‌توان پذیرفت که دانشجویان دانشگاه‌های کشور تحت حاکمیت نظام جمهوری اسلامی "غرب‌زده" بیار می‌آیند ولی دانشجوی ایرانی در آمریکا و انگلیس و فرانسه برای خدمتگزاری به جمهوری اسلامی بهتر از ایران تربیت شود.

در جمهوری اسلامی باید از دانش و تخصص هر نیروی معتقد و مومن به انقلاب استفاده شود. حرف این است که جمهوری اسلامی نیروی عظیم دانشجویان مقیم کشور را که با سالها مبارزه علیه رژیم امریکایی شاه در برپایی و پیروزی انقلاب سهم شایسته‌ای داشتند به بهانه‌های غیر قابل قبول از خدمت به مردم و سازندگی جامعه محروم کرده است و ضربات جبران‌ناپذیری بر پیکر انقلاب وارد آورده‌است. سخن بر سر آن نیست که انقلاب فرهنگی که یکی از نیازها و خواسته‌های انقلاب ماست باید انجام گیرد یا نه؟ همه نیروهای انقلابی و مردمی از کوشش‌های جمهوری اسلامی برای تبدیل دانشگاه‌ها در همه ابعاد به دانشگاه‌های

اعضای ستاد انقلاب فرهنگی روز بیست و ششم آبان به حضور امام خمینی رسیدند و گزارش کار این ستاد را به ایشان تقدیم کردند. بنا به گفته آقای حسن حبیبی یکی از اعضای ستاد انقلاب فرهنگی، امام در این دیدار تاکید کردند که:

"هر چه زودتر دانشگاه‌ها باز شود" متأسفانه علیرغم این گفته صریح امام خمینی که برای چندمین بار بر بازگشایی هر چه زودتر دانشگاه‌ها تاکید کرده‌اند، و علیرغم آنکه نزدیک به یک سال و نیم از تعطیل موسسات آموزش عالی می‌گذرد، هنوز چشم‌انداز مطمئنی برای بازگشایی دانشگاه‌ها و حل این معضل بچشم نمی‌خورد.

دکتر حسن حبیبی پس از دیدار با امام وعده بازگشایی دانشگاه‌ها داده و اعلام کرد: "تمام رشته‌های دانشگاه‌ها ظرف یکی دو ماه آینده به تدریج شروع به فعالیت می‌کنند و سعی خواهد شد ظرف یک تا یک سال و نیم دیگر دانشگاه‌ها بطور کلی باز شوند."

(اطلاعات ۲۷ آبان) هر چند که اعلام خبر آغاز "فعالیت تدریجی رشته‌های دانشگاهی" اگر همچون وعده‌ها و خبرهای مشابه قبلی در این زمینه، به فراموشی سپرده نشود، امیدوارکننده است اما زمان بازگشایی دانشگاه‌ها باز هم به آینده دور و مبهم احاله شده است.

مهر اسامیل برای دومین بار درهای دانشگاه‌ها پروری دهها هزار تن جوان مشتاق کار و کوشش و تحصیل بسته ماند و نیروی عظیمی که در

در خدمت مردم و انقلاب و ریشه‌کن کردن سلطه آموزشی نیت اجراکنندگان این سیاست مبارزه در جهت استقلال اقتصادی میهن ما و ساختمان جدید جامعه را با مانع روبرو ساخته است. وقت آن است که به بی‌برنامگی‌ها، ندانم‌کاری‌ها و اشتباهات در روش جمهوری اسلامی نسبت به مسئله دانشگاه‌ها پایان داده شود و این خواست مردم و رهنمود امام مبنی بر اینکه:

هر چه زودتر دانشگاه‌ها باز شوند" تحقق یابد

گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهائی که در راه ایرانی آزادی و دمکراتیک مبارزه می کنند

نخست وزیر طی مصاحبه ای اعلام کرد: بخش تعاونی ها گسترش می یابد

نخست وزیر در مصاحبه مطبوعاتی روز یکشنبه اول آذرماه پیرامون مسائل داخلی و خارجی کشور سخن گفت و بر روی مسائل مربوط به رابطه بخش های اقتصادی مصرحه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تاکید ویژه ای کرد.

نخست وزیر ، ضمن حمله به ضدانقلاب که می کوشد با عوام فریبی بخش هایی از جامعه را که می توانند در چارچوب قوانین جمهوری اسلامی ایران خدمات مفید انجام دهند ، نسبت به دولت بدبین می سازند تاکید کرد که:

در کشور ما تضمین کافی برای بخش عمومی ، بخش تعاونی و بخش خصوصی داده شده "

مهندس موسوی ضمن تکیه بر این مسئله که دولت مصمم است در چارچوب قوانین و در انطباق با اساس جمهوری اسلامی ، سرمایه های راكد را به امور تولیدی هدایت کند ، روی اهمیت حضور بخش دولتی و به ویژه گسترش تعاونی ها که ضامن استقلال اقتصادی و سمت گیری دولت در اقدام به سود محرومان جامعه است ، تاکید خاصی کرد :

" در این نظام ، بخش دولتی مطابق تعریفی که قانون اساسی از آن می کند ، و حدودش را معین می کند حضور خواهد داشت و به هیچ وجه از بین نخواهد رفت . بخش تعاونی گسترش پیدا خواهد کرد و بخش خصوصی خود را حتما خواهد داشت ... "

نخست وزیر در جای دیگری از سخنان خود مجددا بر اهمیت تعاونی ها در اقتصاد جمهوری اسلامی ایران انگشت گذاشت و عنوان نمود که دولت درصدد تشکیل وزارتخانه ای به نام " وزارت تعاون " است و هم اینک قدم هایی در این جهت برداشته شده است .

ما از این سخنان واقع بین نخست وزیر استقبال می کنیم و بر تاکید مکرر او در مورد اهمیت تصویب بخش دولتی اقتصاد و گسترش تعاونی ها و کنترل این بخشها بر روی بخش خصوصی ، تکیه می کنیم .

آقایان!
بها نه کافی است
دانشگاهها را باز کنید!

در صفحه ۱۵

درواهیمائی باشکوه روزجمعه: توده های رزمنده میهنمان خشم و نفرت خود را اثار امریکا کردند

مسیرهای هشتگانه راهیمایی تهران که همه رو به سوی دانشگاه تهران و مرکز جاسوسی آمریکا داشتند تصویرگر ستاره هشتپر و درخشانی از آگاهی مردم و رزم سترگ توده های میهن ما بود . در هر گوشه این ستاره هشتپر میلیون ها فریاد " مرگ بر امریکا " در پهنه نیلگون میهن انقلابی ما می شکفت هزاران ستاره " ششپر " صهیونیسم به آتش کشیده می شد و میلیونها مشت گره کرده توطئه مانور " ستاره درختان امریکا را محکوم می کرد .

در صفحه ۱۱

انقلاب ایران و افغانستان دشمنان مشترکی دارند

پیروزی انقلاب ایران و افغانسان که به فاصله کوتاهی نت به یکدیگر صورت پذیرفتند ، باعث گردید که امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا نه تنها قسمتی از مراکز نفوذ خود را در جهان و بخصوص در منطقه از دست بدهد ، بلکه یکی از شکننده ترین ضربات را در چندین سال اخیر متحمل گردید .

همانند هر انقلاب دیگری این انقلابات نیز از بدو زئولوتیکی نیز چه در رابطه با منطقه و چه در رابطه با نزدیکی با اتحاد شوروی از بقیه در صفحه ۱۴

هشدار رئیس جمهور: ساواکی ها هنوز هم مشغول توطئه هستند

در صفحه ۴

تلاش مذبو هانه گروهکهای ضد انقلابی
در اطراف آمل

در صفحه ۱۳

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر